

عشق بی قید و شرط یعنی... مغتنم شمردن لحظه لحظه‌ی زندگی

Harold W. Becker

هارولد دبلیو بکر



Semantic translation:

Roauf Khalil Aqayi (رئوف خلیل آقایی)

Fayegh Daneshkhah (فایق دانشخواه)

Literary editor:

Taher Karimi (طاہر کریمی)



عشق بی قید و شرط یعنی... مغتنم شمردن لحظه لحظه‌ی زندگی

نویسنده:

هارولد دبلیو بکر (بنیانگذار و رئیس بنیاد عشق)

ترجمه‌ی معنایی:

رئوف خلیل آقایی (نماینده‌ی بنیاد عشق در ایران)

فایق دانشخواه (کارشناس مترجمی زبان انگلیسی)

ویراستار ادبی:

طاهر کریمی (کارشناس ادبیات فارسی)



وقتی که قلبی گشوده داشته باشیم،
زیبایی عشق از هر سو ما را فرا می‌گیرد.



مشخصات کتاب

نام کتاب: عشق بی قید و شرط یعنی... مغتنم شمردن لحظه لحظه‌ی زندگی

نویسنده: هارولد دبلیو بکر

ترجمه‌ی معنایی: رثوف خلیل آقایی - فایق دانشخواه

ویراستار ادبی: طاهر کریمی

ناشر ایران: مترجم

ناشر آمریکا: White Fire

نوبت نشر: اول

سال نشر: ۱۳۸۹

تیراژ: ۱۰۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: رثوف خلیل آقایی

طراحی جلد: John T. Goltz

قیمت با کتاب صوتی: در سراسر ایران رایگان / Free at the whole of Iran

شابک / ISBN: 978-0-979046-02-5

مرکز بخش در ایران: شهرستان مهاباد، خیابان جمهوری اسلامی، کوچه‌ی شاطری، پاساژ

یوسفی، طبقه‌ی همکف، واحد ۶، کانون ساو

تلفن مرکز بخش در ایران: ۲۲۳۷۷۳۴ (۰۴۴۲)



حق کپی راییت در سراسر دنیا (غیر از ایران):

کلیه حقوق چاپ و نشر، برای بنیاد عشق و مترجمین و ناشر محفوظ است.

تکثیر تمامی یا قسمتی از این کتاب به صورت حروفچینی یا چاپ مجدد، چاپ افست، پلی کپی، فتوکپی و انواع دیگر چاپ ممنوع است. همچنین هرگونه دخل و تصرف در محتوای این کتاب الکترونیکی و کتاب صوتی همراه، و استفاده‌ی غیر مجاز از آن‌ها جهت تولید کتاب مشابه و مرتبطی و نیز کپی و تکثیر نسخه‌ی اصلی آن در سراسر دنیا (بجز ایران) بصورت الکترونیکی (از طریق وب و CD و امثال آن‌ها) ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد.

حق کپی راییت در ایران:

کلیه حقوق چاپ و نشر رایگان (در سطح ایران)، برای بنیاد عشق و مترجمین محفوظ است.

تکثیر تمامی یا قسمتی از این کتاب به صورت حروفچینی یا چاپ مجدد، چاپ افست، پلی کپی، فتوکپی و انواع دیگر چاپ ممنوع است. همچنین هرگونه دخل و تصرف در محتوای این کتاب الکترونیکی و کتاب صوتی همراه، و استفاده‌ی غیر مجاز از آن‌ها جهت تولید کتاب مشابه و مرتبطی، ممنوع بوده و پیگرد قانونی دارد؛ ولی کپی و تکثیر نسخه‌ی اصلی آن (در سطح ایران) بصورت الکترونیکی (از طریق وب و CD و امثال آن‌ها) بلامانع می‌باشد.



تقدیم؛

این کتاب + کتاب صوتی همراه، بصورت رایگان به تمامی دوستداران صلح و عاشقان بشریت اهدا می‌گردد.



پیشگفتار مترجم

در مورد این کتاب:

این کتاب، نخستین مرتبه تنها به زبان انگلیسی و توسط انتشارات وایت فایر "White Fire" در آمریکا منتشر گردید و در واقع تلخیصی از مفاهیم عمیق کتاب دیگر نویسنده، یعنی **عشق بی قید و شرط**، "شیوه‌ی نامحدود بودن" می‌باشد.

در جریان ترجمه و ویراستاری این کتاب، خود نویسنده شخصا ما را در بیان بهتر مفاهیم یاری رسانده است؛ ولی در صورتی که اشکالاتی در ترجمه و انتقال مطالب و مفاهیم مشاهده کردید، لطفاً از طریق وب سایت و پست الکترونیک ذیل آن را با ما در میان بگذارید.

[www.lovefoundation.ir/en/contact-form/
info@lovefoundation.ir](http://www.lovefoundation.ir/en/contact-form/info@lovefoundation.ir)

همکاری با ما:

تمامی متخصصین و اساتید علاقه‌مند در زمینه‌ی مترجمی و ادبیات انگلیسی و فارسی، در صورت تمایل می‌توانند با اعلام همکاری از طریق آدرس زیر و تکمیل فرم مربوطه و ارسال آن، همگام با ما جهت ارایه‌ی ترجمه‌های عالی و پرورش و رشد هرچه بیشتر عشق بی قید و شرط در کشور و جامعه‌ی جهانی سهیم شوند.

www.lovefoundation.ir/cooperation/

در مورد عشق بی قید و شرط:

اکنون قرون متمادی است که عشق را وسیله‌ای برای کسب منافع دیگر قرار داده‌ایم، در حالی که عشق نه وسیله، بلکه خود هدفی بنیادی برای شکوفایی و تعالی ما است.

عشقی که تاکنون دنیای خود را با آن پر کرده‌ایم، حرص و طمع و فریب و نقصی است که با ظاهری دلربا، نقابی از عشق بر آن نهاده، و شیفتگی متعصبانه نسبت به افراد و چیزهای خاصی را با عشق اشتباه گرفته‌ایم.

اگر خوب بیندیشیم، درک می‌کنیم که تا ۱۵۰ سال آینده تمامی ما انسان‌های فعلی ساکن در این کره‌ی خاکی خواهیم مُرد، مگر آنکه معجزه‌ای در علوم زیستی رخ دهد. زندگی ما آنقدر کوتاه و گذرا است که تنها ارزش داشتن و بهره‌مندی از بهترین‌ها را دارد.

شاید نتوانیم با داشتن تمام دنیا زندگی خود را شاد کنیم، ولی با عشق ورزیدن می‌توانیم به زندگی خود معنا ببخشیم.

عشق ورزیدن صرفاً به زیبایی‌ها و کمالات، عشقی توهمی بیش نیست. عشق، بی قید و شرط است. عشق‌ورزی به کل انسان‌ها و هستی با وجود تمام زشتی و زیبایی‌ها... عشق به زیبایی‌ها برای رشد آن‌ها و عشق به زشتی‌ها برای پذیرش و هدایت آن‌ها بسوی رشد و تعالی و زیبایی...

هر کسی می‌تواند عاشق بهترین‌ها و جذاب‌ترین‌ها شود، اما راز ماندگاری و قدرت معنوی و جهانی افرادی همچون گاندی، مادرترزا و غیره در تحول اندیشه و احساس جامعه‌ی انسانی، همانا عشق بی قید و شرط نسبت به کل بشریت (حتی به انسان‌های بسیار تنگدست، بیمار، ناقص‌الخلقه، بی سواد و جاهل هم) بوده و هست.



با عشق بی قید و شرط، ذهن و احساس ما در گستره‌ی جهانی ارتقا یافته، خانه‌ی ما به پهنای دنیا گشته و مرزهای موهوم میان ما انسان‌ها دیگر ناپیدا خواهد شد.

رئوف خلیل آقایی

بنیاد عشق - ناحیه‌ی ایران

www.lovefoundation.ir

۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۹ خورشیدی



عشق بی قید و شرط یعنی...

آزادی

آرامش

خرد

زندگی

هماهنگی

شادی و سرور

شفقت

خدمت

برادری

وحدت

بی‌آلایشی

امیدواری

نیکوکاری



اختیار و آزادی اراده

ایمان

پیروزی

الوهیت

مهربانی

قدردانی

کمال

زیبایی

اعتماد

عدم وابستگی

عفو و گذشت

آغازی نو

تمرکز

صداقت

داد و انصاف



یک پارچگی شخصیت

نرمی و نجابت

جوانیِ وجود

هشیاری

الهام

راهنمایی

بخشش و سخاوت

فعالیت

فهم و ادراک

خلاقیت

نیروی تخیل

شادکامی

هدف

تسلط بر نفس

رحمت



فراوانی

نیرومندی

صمیمیت

شجاعت

برگزیدن

اعتماد به نفس

تندرستی

یک پارچگی

سرزندگی

نیرو

صفا

تواضع

کامیابی و موفقیت

پایداری

پیشرفت

فروتنی

انرژی

توانایی

احترام

استعداد



عشق

بی قید و شرط

یعنی

آزادی

آزادی

از جمله‌ی حقوق غریزی ما که جزئی از نهاد ما بوده و هست، آزادی است. هر یک از ما نیروی بالقوه و بی نظیری در درون خود داریم و همین آزادی و توانایی است که در راستای تحقق خواسته‌هایمان به ما قدرت می‌بخشد. با توجه به این که آزادی جزئی از ذات و وجود ما است، پس جدای از خودمان، هیچ کسی نمی‌تواند آن را به ما اهدا نماید و با حضور در مکان و جایگاهی ویژه، و یا با به دست آوردن چیز خاصی هم نمی‌توانیم شاهد ظهور آزادی باشیم. با این اوصاف، نخستین گام در تجلی آزادی در دنیای بیرونی، تجربه‌ی آزادی در دنیای درونی است.

هنگامی که آزادی دیگر موجودات را به رسمیت شناخته و آن را محترم می‌شماریم، آنگاه به راستی می‌توانیم شاهد آزادی خویش باشیم. در چنین شرایطی نه نیازمند اطاعت بی چون و چرای دیگران نسبت به خود هستیم و نه تلاش می‌نماییم که دیگران را محدود و مغلوب خویش سازیم؛ اما در برابر، با تحقق آزادی درونی خود می‌توانیم بیافرینیم که مایه‌ی الهام دیگران نیز گردد. هنگامی که ذهن و احساساتمان را از قید و بند باورهای محدود خویش رهایی می‌بخشیم، استعداد و توانایی‌های ما شکوفا شده و اهداف و رویاهای ما به حقیقت می‌پیوندند.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر آزادی است. با عشق‌ورزی بی قید و شرط و آزادانه نسبت به خودمان، اطرافیانمان و دیگر موجودات هستی، به گونه‌ای باشکوه می‌توانیم هویت حقیقی خویش را به ظهور رسانده و به زندگی خود معنا بخشیم.

عشق

بی قید و شرط

یعنی

آرامش

آرامش

آرامش، مبتنی بر خلوت و ژرف‌نگری درونی و فارغ از هرگونه مرزبندی و قید و بند و محدودیت است. ذهن آرامش یافته‌ی ما همانند دریایچه‌ی آرام و بی موج در کوهپایه‌ای است و همین آرامش، نمایانگر نوک قلله‌ی کوه که نماد خرد در وجود ما است، می‌باشد؛ به بیانی دیگر، خردمندی نتیجه‌ی آرامش ذهنی ما است. با آرام گرفتن ذهن و قلبمان است که می‌توانیم تناسب و زیبایی درونی همیشگی خویش را دریابیم. با بهره‌مندی از چنین آرامشی است که فارغ از محدودیت‌ها می‌توانیم به موهبت‌های زندگی و استعداد و توانایی‌هایمان بیندیشیم و هشیاری و نیروی لازم را برای حل مسایل و مشکلاتمان به دست بیاوریم.

آرامش رکود و بی تفاوتی نیست، بلکه خود، انرژی پویا و زنده‌ای است که در عمق وجود ما جاری شده و درون ما را سرشار از هماهنگی و سرور می‌سازد. با تجربه‌ی چنین آرامشی است که می‌توانیم کمال فطری و استعداد و توانایی‌های حقیقی خویش را کشف کرده و شکوفا نماییم. هنگامی که وجود ما بر بنیان هشیاری شگفت‌انگیز مبتنی بر آرامش استوار می‌گردد، چشم ما رو به حقیقت گشوده شده و به راز گسترش این آرامش پی می‌بریم. و آنگاه می‌فهمیم که آرامش به‌راستی از درون خود ما سرچشمه می‌گیرد و ضروری است به صورت آگاهانه آن را پرورش دهیم تا شاهد موهبت و پیامدهای مثبت آرامش در زندگی خویش باشیم. عشق بی قید و شرط مبتنی بر آرامش است. هنگامی که به دنبال رسیدن به آرامش درونی هستیم، سرچشمه‌ی بی‌کرانی از الهامات و ایده‌های نو و خلاقانه، و فرصت‌های بی‌شماری برای شکوفایی و رشد و بهره‌مندی از عشق، در سر راه ما قرار می‌گیرند.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

خرد

خرد

خرد معیار درک صحیحی است که در نتیجه‌ی بلوغ و تکامل اندیشه‌ی ما حاصل شده و مبتنی بر ژرف‌نگری درونی می‌باشد. برعکس خرد که از درون انسان سرچشمه می‌گیرد، آگاهی‌های مورد نیاز برای کسب دانش، از دنیای بیرونی تامین می‌شود. خرد نوعی ژرف‌نگری بر الهامات و ایده‌های بی حد و حصر و در نتیجه‌ی بهره‌مندی از والاترین و عالی‌ترین موهبت‌های درونی است.

خرد جلوه‌ای از هشیاری است که ریشه در درک و تجربه‌ی شخصی انسان دارد و مبتنی بر حقیقت وجودی فردی ما می‌باشد که معیاری برای بازآفرینی تعادل آفرینش بر مبنای عشق، فرزاندگی، توانایی و استعداد‌های درونی است. خردمندی یعنی حقیقت وجودی و استعداد و توانایی‌های ویژه‌ی خویش را کشف کنیم و اجازه دهیم که لحظه لحظه‌ی زندگی ما، بر مبنای آن رشد کرده و تعالی یابد.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر خردمندی است. خرد، حقیقی‌ترین درک مبتنی بر عشق است؛ از این رو که عشق از حقیقت وجودی و درونی ما سرچشمه می‌گیرد، و در عین حال خرد، استعداد و قابلیت‌های آدمی را با شور و اشتیاقی مملو از آرامش کشف و شکوفا نموده و زندگی ما را از آن سرشار می‌سازد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

زندگی

زندگی

زندگی ما همچون بازی بزرگی است که هر یک از ما به نوبه‌ی خود، موقتا در آن به ایفای نقش می‌پردازیم. زندگی داستانی بی انتها، و مملو از لذت‌ها، مشکلات، شادی‌ها و فرصت‌های گوناگونی است. با هر تصویری که در سر می‌پرورانیم، هر آن چه می‌نویسیم و هر عملی که انجام می‌دهیم، انرژی خویش را در مسیر تعامل و ارتباطات و احتمالات مثبت گسترده‌تری، می‌افزاییم. همچنان که انرژی ما افزایش می‌یابد، شاهد اثرات آن به صورت تصاعدی خواهیم بود، به نوعی که بسیار فراتر از آن چه برای ما قابل تصور است، هر بار اثرات این انرژی‌های مثبت، متجلی می‌گردد.

هدف از موجودیت ما، لذت بردن از زندگی مبتنی بر حقیقت وجودی خودمان است. همچنان که با عشق‌ورزی به زندگی خویش معنا می‌بخشیم، به اهداف و رویاهای خود جامه‌ی عمل پوشانده و در عین حال آرزو و خواسته‌های دیگران را نیز ارج می‌نهیم. زندگی به شیوه‌های گوناگون و نامحدود گسترش می‌یابد و به واسطه‌ی دل‌های ما است که معنا یافته و جریان می‌یابد. زندگی خود راهنمایی برای ما در شکوفایی و توسعه‌ی استعداد و توانایی‌هایمان، و در نتیجه خود علتی برای آفرینش زندگی و واقعیتی باشکوه‌تر است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر زندگی است. همچنان که هر روز و هر لحظه‌ی خویش را مملو از شادی و سرور می‌سازیم، و عشقمان را نسبت به خود و دیگران ابراز می‌نماییم، موهبت‌های شگفت‌انگیز زندگی را در می‌یابیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

صاف سنی

هماهنگی

زمانی اندیشه و احساسات ما هماهنگ و متوازن است، که وجود ما از شادی شورانگیز عشق بی قید و شرط سرشار گردد. و همین تعادل است که موجب می‌شود تصمیم‌گیری صحیحی داشته و به درستی کار و فعالیت خویش را به انجام برسانیم. هر بار که این هماهنگی و تعادل درونی ما مختل می‌گردد، توازن و سازگاری ما نیز به هم خورده و بدلیل عدم آگاهی صحیح، تصمیم نابخردانه و نادرستی را اتخاذ می‌نماییم. هماهنگی پیش نیاز و نقطه‌ی شروع بازآفرینی زندگی در مسیری مثبت است.

شاه‌کلید کسب هر موفقیتی، حفظ هماهنگی در لحظه لحظه‌ی زندگی است. با تشخیص اولویت‌ها، می‌توانیم هماهنگی و تعادل خویش را بازیافته و ارزش زندگی را دریابیم. هیچ چیزی در زندگی آن قدر ارزش ندارد که به خاطرش هماهنگی درونی خود را زیر سوال برده و شادی و سرور خویش را برهم بزنیم. با تداوم هماهنگی و توازن درونی، جریان و فرآیند طبیعی زندگی، سرشار از لذتی غیر قابل وصف می‌گردد.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر هماهنگی و توازن است. اهمیتی ندارد در گذشته چه کسی بوده اید و یا چه کرده اید، در صورتی که هم اکنون در پی کسب توازن و هماهنگی باشید، عشقی در وجود شما متجلی می‌شود، که خود پاداش تلاش و کوشش شما در این خصوص خواهد بود.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

خاری و سرور

شادی و سرور

شادی خنده‌ی فرشتگان است. این آهنگ درونی (یعنی شادی) توانایی و استعداد‌های ما را افزایش داده، هماهنگ نموده و زندگی ما را به اوج لذت و سرور می‌رساند. شادی، قلب ما را فراخ و گشوده نموده و وجود ما را در مسیر حرکت به سوی رویاهامان، مملو از انرژی می‌سازد. در چنین شرایطی، هر یک از ما به طور طبیعی مشتاق رسیدن به اهداف و خواسته‌هامان هستیم و بیش از این خود را در چارچوب برآوردن صرف نیازهای غریزی خویش محصور و محدود نمی‌کنیم. شادی و سرور، هستی ما را با فرشته‌ی الهی نهفته در عمق وجود ما پیوند می‌دهد.

ما می‌توانیم مسیر رسیدن به شادی و سرور را برگزینیم و مبنای تصمیم‌گیری خود را بر اساس همین راهنمای درونی استوار سازیم؛ راهنمایی که به سادگی و به خوبی ما را هدایت نموده و در نهایت شور و اشتیاق، خواسته‌ها و آرزوهای سوزان و عمیق قلبی ما را به واقعیت مبدل می‌سازد. همچنان که شادی و سرور جزئی از زندگی روزمره‌ی ما می‌شود، شک و تردید (نسبت به خود و توانایی‌هایمان)، و نیز جنگ و جدال و کشمکش، از زندگی ما رخت بر می‌بندد. این ویژگی باشکوه عشق (یعنی شادی) است که یادآور حقیقت وجودی ما است و ما را نسبت به این که در عمق قلبمان که هستیم و چه هستیم، هشیار می‌سازد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

شفقت

شفقت

شفقت، عاملی در شکوفایی و متعالی نمودن انرژی بالقوه‌ی هستی به صورت طبیعی آن، یعنی عشق بی قید و شرط است. گرچه به اشتباه گمان می‌بریم که همدردی علتی در وجود و تقویت مهربانی و شفقت است، اما در واقع چنین نیست و شفقت بر ملایمت، احترام و عزت نفس، و نیز بر خرد و تفاهم استوار است، و هنگامی که این شفقت جزئی از اعمال و رفتار ما می‌شود، بیانگر تجلی کمال الهی وجود ما است، و خود باعث جریان و تداوم هماهنگ و متعادل مهربانی و شفقت، در روابط میان ما و هستی می‌گردد.

با شفقت می‌توانیم در متعالی نمودن ذات و جوهره‌ی هر شخصی و نیز در ارتقای هر موقعیت و شرایطی، موثر واقع شویم. نقطه‌ی شروع دست‌یابی به چنین نوعی از مهربانی و شفقت، سرشار ساختن زندگی خویش از شفقت و مهربانی خودمان نسبت به خودمان است. هنگامی که به هم پیوستگی کل واقعیت هستی را، درمی‌یابیم، می‌توانیم واقعیت این یگانگی را در زندگی تجربه نماییم، آنگاه گسترش و تعالی چنین شفقت (عاشقانه)ی در زندگی ما به حقیقت می‌پیوندد.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر شفقت و همدلی است. از طریق شفقت، نیروی عشق در هر کسی و هر چیزی جاری می‌شود.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

خدمت

خدمت

فعالیت روزمره‌ی ما مبتنی بر خدمت به بشریت و جهان است. اهمیتی ندارد چه وظایف و مسئولیت‌ها و فعالیت‌ها و عاداتی داریم، در هر صورت انرژی زندگی در وجود ما جاری است. داشتن افکار و احساسات مثبت، بهترین نوع خدمتی است که می‌توانیم خود و دیگران را از آن بهره‌مند نموده و عشق را در اطراف خویش گسترش دهیم. هنگامی که با بدبینی و ترس، زندگی خود را محدود می‌کنیم، در واقع ویژگی‌های مثبت خود را به چالش کشیده و نابود می‌سازیم. پس این که همواره خدمت ما همراه با عشق باشد یا نه، بسته به انتخاب خود ما است.

هر اندیشه و احساس و کرداری در زندگی، امکان هم‌باری و تعامل ما در سطح گسترده‌تری از روابط اجتماعی را فراهم می‌سازد. وقتی نقطه تمرکز ما خدمت در زندگی است، نسبت به بهره‌مندی و بکارگیری انرژی خلاق و حیاتی جهانی هشیار می‌شویم. هنگامی که خدمت کردن جزئی از هدف زندگی ما می‌شود، به جز خدمت عاشقانه کار دیگری انجام نمی‌دهیم و مسلماً، شاهد ثمرات مثبت آن خواهیم بود و نیز لذت آن را تجربه می‌نماییم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر خدمت است. هنگامی که عاشقانه خدمت می‌کنیم، باعث گسترش خدمات عاشقانه در زندگی خود و در جامعه‌ی خویش می‌گردیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

برادری

برادری

در تار و پود زندگی، هر یک از ما به طور شگفت‌انگیزی با همدیگر پیوند می‌یابیم و بر یکدیگر اثر می‌گذاریم. خواه متوجه این تاثیر شویم یا نه، در هر صورت کم‌وبیش خوب یا بد بر دنیای اطرافمان اثر می‌گذاریم. ما می‌توانیم در زمره‌ی بهترین‌ها باشیم و همچون همسفران، دست در دست هم نهاده و به سهم خویش به یاری یکدیگر بشتابیم.

هر یک از ما رهرو و پیشگام حرکت بشریت به سوی رشد و تعالی در این سیاره است. خنده و اشک و لذت و رنج‌های ما مبتنی بر خوشی و ناخوشی ما در سطح جهانی است، و در واقع هیچ کس در دنیا، هرگز تنها و جدا از جامعه‌ی جهانی واحد بشریت نیست. هنگامی که دشمنی جای خود را به دوستی می‌دهد، حقیقت یک‌پارچگی و برادری اعضای خانواده‌ی بشریت را که با تلاش و همبستگی همگی ما امکان‌پذیر بوده و خواهد بود، درک می‌کنیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر برادری است. همگی ما به عنوان برادران و خواهران زمینی، می‌توانیم یگانگی را پذیرفته و همدیگر را در تجلی زندگی عاشقانه‌ای سهم نماییم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

وحدت

وحدت

همان‌طور که سیاره‌ی ما در کهکشان راه شیری و در میان دیگر کهکشان‌ها به صورتی بی‌عیب و نقص قرار گرفته است، هر سلول نیز هماهنگ با کل اعضای بدن به صورت یک‌پارچه کار می‌کند. برای درک این هماهنگی و کمال خارق‌العاده‌ی زندگی، نخست بایست یگانگی جهان هستی را درک کنیم. موجودیت هیچ چیزی واهی و بی‌حکمت نیست و نخواهد بود و در هر لحظه می‌توانیم شاهد ثروت بیکرانی باشیم که در زندگی ما متجلی می‌گردد.

عالم حیوانی، گیاهی و جمادات هم مبتنی بر این نظم طبیعی است و ناخودآگاه هستیشان را صرف تحکیم این پیوندهای جهانی و طبیعی می‌نمایند. ما هم به نوبه‌ی خود (به عنوان یکی از موجودات و اجزای جهان) فرصت و وظیفه‌ی مشابهی داریم تا خلقت دوست‌داشتنی خود را بر روی این بوم شگفت‌انگیز هستی نقش‌زنیم. هنگامی که در شکوفایی و تجلی زیبایی در جهان، شریک می‌شویم، نقش خود را در این کل واحد ایفا می‌نماییم.

عشق بی‌قید و شرط مبتنی بر وحدت است. هر تار و پود از این فرشینه‌ی غنی زندگی، با عشق بافته شده، و در حوزه‌ی وسیعی از یگانگی بی‌کران هستی، امکان ایفای نقش را همچون موهبتی در زیر پای ما می‌گستراند.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

بی آلاشی

بی‌آلایشی

هنگامی که ذهن و قلب ما سرشار از پاکی و بی‌آلایشی باشد. آزادانه و بی‌قید و شرط می‌توانیم عشق بورزیم. روشنایی و الوهیت وجود ما به طور طبیعی متجلی می‌شود و بدون هیچ شرط و محدودیتی خود و دیگران را غرق در شادی و سرور و شادکامی می‌نماییم. بی‌آلایشی همچون شعله‌ای طلایی و سوزان، ناپاکی‌های گذشته را سوزانده و کمال نهفته در وجود و هویت واقعی ما را هویدا می‌نماید.

با تلاش بیشتر جهت برجیدن افکار بسته و خفقان‌آور، و محدودیت‌های احساسی ریشه‌دار مبتنی بر تلقینات گذشته (ی شخصی، خانوادگی، اجتماعی و ...) به نتیجه‌ی فوق‌العاده ارزشمندی می‌رسیم. هر بار که از قید و بند منفی‌باقی، ترس و شک و تردید، بیشتر رها می‌شویم، واقعیت وجودی خود را تصفیه کرده و با عشق‌ورزی بیشتر و بهتر، به ارتقای استعداد و توانایی‌هایمان یاری رسانده و به معنای واقعی کلمه، آینده‌ی خود را در این فرآیند به خوبی آفریده و تعالی می‌بخشیم. بی‌آلایشی حالتی از بودن و وجود داشتن، و دربرگیرنده‌ی کمال و الوهیت نهفته‌ی درونی است.

عشق بی‌قید و شرط مبتنی بر خلوص است. با خودشناسی و گام برداشتن به سوی خلوص ذهنی و قلبی است که مسیر رسیدن به عالی‌ترین اهداف و رویاهای عشق‌محور، هموار می‌گردد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

امیدواری

امیدواری

زندگی فراتر از آن چیزی است که با تحقق رویاها به منصه‌ی ظهور می‌رسد. زندگی با امیدواری همیشگی و اوج شگفتی همراه است. امیدواری، مسیر ما را برای شکوفایی استعداد و توانایی‌هایمان هموار می‌نماید. با اقدامات هماهنگ عاشقانه، همواره رویاهای خود را تحقق می‌بخشیم و در حقیقت امید به ظهور اهداف و رویاها است که به ما نیرو می‌بخشد.

در ابتدا امیدواریم چیزی که می‌خواهیم تحقق یابد، و بر این اساس، تلاش و کوشش خویش را آغاز می‌نماییم، این امید در نهایت تبدیل به ایمان می‌شود؛ و برعکس، از دست دادن امید، مساوی با از دست دادن ایمان به تحقق اهداف و آرزوهایمان است و تنها خود ما هستیم که می‌توانیم ایمان و امیدواری خویش را بازیابیم. با عشق به خود و اعتماد به توانایی‌هایمان، و از طریق ویژگی‌سحرآمیز امیدواری، نیروی خلاقیت درونیمان را، که یادآور استعداد و توانایی خودِ زندگی است، احیا می‌کنیم. عشق بی قید و شرط، مبتنی بر امیدواری است. هنگامی که امیدواری در وجود ما جاری است، آغوش خود را به سوی نیروی بی‌کرانِ عشق گشوده و زندگی ما سرشار از مواهب مثبت می‌شود.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

نیلوفری

نیکوکاری

نیکوکاری نسبت به دیگران، از نیکی کردن به خود آغاز می‌شود. با توجه و ژرف‌نگری درونی در راستای فهمیدن انگیزه و نیت شخصی، و درک خود است که می‌توانیم به پتانسیل و توانایی خویش برای عشق‌ورزی بی قید و شرط پی ببریم. این جنبش درونی خویشتن‌پذیری و درک، نیرویی را در وجود ما زنده می‌نماید که موجب می‌گردد عشق ما به سوی دیگران جاری شود. هنگامی که نسبت به تامین نیازهای ذاتی خویش، و بخشش و نیکی کردن به خود بی‌تفاوت باشیم، به همان صورت هم، تمایل خویش را جهت بخشش و نیکی به دیگران، از دست می‌دهیم. با صرف وقت جهت رشد و پرورش خودمان، به خود امکان می‌دهیم تا از آن چه که ما را برای بخشیدن به دیگران تشویق می‌نماید، یعنی از منبع بی‌کران استعداد و توانایی خویش، بهره‌برداری نماییم. با ژرف‌نگری درونی، درمی‌یابیم که ابتدا نیکوکاری از آمادگی و پذیرش قلبی خودمان آغاز شده و سپس بر جوانب و سطوح مختلف زندگی تأثیر شگفت‌انگیزی می‌گذارد. هر رفتار عاشقانه‌ای که نسبت به خود داریم، به رفتاری مهربانانه و عاری از نفس‌پرستی نسبت به دیگران مبدل می‌شود.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر نیکوکاری است. منبع بی حد و حصری از عشق در درون هر کسی وجود دارد و نیکوکاری امکان تقسیم آن را فراهم ساخته و آن را جاری می‌سازد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

اختیار و آزادی اراده

اختیار و آزادی اراده

به طور طبیعی هر کسی آزادی و اختیار انجام دادن هر آن چه را که می‌خواهد دارد، و در عین حال، در قبال چنین آزادی و اختیار فوق العاده‌ای، مسئول هم هست. هر آن چه را که از دیگران دریغ می‌نماییم در واقع از خودمان می‌ستانیم، و به همان صورت هر آن چه را که می‌بخشیم، به بهترین شکل ممکن دوباره دریافت می‌کنیم. به بیانی دیگر اگر به آزادی دیگران احترام گذاریم، دیگران هم به آزادی ما احترام می‌گذارند، و در صورتی که آزادی دیگران را زیر سوال ببریم، آزادی ما هم زیر سوال می‌رود. هنگامی که همان گونه که واقعاً هستیم، اراده‌ی آزاد خویش را نشان داده و خودمان را ابراز می‌نماییم، چه خوب و چه بد، شاهد ثمرات یا عواقب اعمال خویش خواهیم بود.

در قلمرو انسانی پتانسیلی باورنکردنی در به ظهور رساندن زیبایی بدیع زندگی، از طریق عشق وجود دارد. نیروی تخیل بیکران ما، منبع توانایی‌های بالقوه‌ی ما در خلق و تجربه‌ی واقعیتی است که مورد نظرمان بوده و آزادی خویش را در گرو تحقق آن می‌دانیم. بر اساس اختیار و آزادی فردی، پتانسیل و توانایی خلاقیت بالقوه‌ی خویش را شکوفا نموده و دیگران را از موهبت بخشندگی خویش بهره‌مند می‌گردانیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر اختیار و آزادی اراده است. اختیار و آزادی اراده‌ی ما آن قدر هست که نسبت به همدیگر، اندیشه و احساسات عاشقانه پرورانده و به یکدیگر عشق بورزیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

ایمان

ایمان

خودباوری عاملی در اوج‌گیری ایمان در زندگی است. زندگی جاری مثبتی، همواره هستی ما را دربرگرفته که از پتانسیل و موهبت‌های مثبت درونی سرچشمه می‌گیرد. به طور کلی بدون ایمان به توانایی‌های خود، ایمان و امید هم به زندگی نخواهیم داشت. نخست بایست یاد بگیریم به توانایی‌های خویش اعتماد کنیم تا سپس بتوانیم زندگی رویایی خود را خلق نماییم.

هنگامی که در زندگی دچار مشکلاتی می‌شویم، با ژرف‌نگری درونی، نیروی ایمان خویش را بازسازی و تقویت نموده و به حرکت خود در مسیر زندگی ادامه می‌دهیم. چه دلیلی دارد که خودآگاهانه پذیرای اعتماد و ایمان در زندگی نباشیم، در حالی که می‌دانیم ایمان جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی است! در صورت باور به استعداد و توانایی‌های بی حد و حصرتان است که می‌توانید به کمک عشق بر هر مشکلی پیروز شوید. ایمان، واژه‌ای ساده با مفهومی نشأت گرفته از چنین نیروی عظیمی است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر ایمان است. لازمه‌ی عشق‌ورزی بی قید و شرط در زندگی، داشتن ایمانی عظیم در زندگی است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

بیروزی

پیروزی

خود ما هستیم که در هر لحظه، واقعیت هستی و زندگی خویش را مشخص نموده و می‌آفرینیم. بر این اساس با موفقیت در تحقق هر یک از خواسته‌هایمان، اندیشه‌ی خلاق دیگری متجلی می‌شود و این فرآیندی همیشگی است. هنگامی که بر روی آرمان‌ها و اهداف مثبت متمرکز می‌شویم، انرژی خود را در راستای تحقق ایده‌آل‌ها و اهداف خویش جاری می‌سازیم. هرچه با اطمینان و اعتماد به نفس بیش‌تری در این مسیر گام می‌داریم، موفق‌تر می‌شویم، و در ضمن خود را برای کسب موفقیت دیگری آماده می‌نماییم.

با شناخت توانایی‌مان در خلق زندگی و دنیای خویش، می‌توانیم به این باور برسیم که تحقق آرمان‌های مورد نظر ما، و موفقیت در این خصوص امری شدنی است. بر پایه‌ی چنین هشیاری و شناختی، با اطمینان و اعتماد به نفس و با تکیه بر عمیق‌ترین خواسته‌ها و امیال قلبی خویش تعالی یافته، و رویاها و اهداف بزرگ خود را به واقعیت تبدیل می‌نماییم. هنگامی که در شروع حرکت خود، به کسب پیروزی و موفقیت خویش باور داریم، شکی در این نیست که در نهایت موفقیت از آن ما است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر پیروزی و موفقیت است. زندگی معنا یافته با عشق بی قید و شرط، زندگی سرشار از دستاوردهای پیروزمندانه و موفقیت‌آمیز است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

الوہیت

الوهیت

ما موجوداتی معنوی و در عین حال با تجارب و صورتی انسانی هستیم. با درک پتانسیل و ماهیت والای درونی و حقیقی خویش، الوهیت خود را متجلی می‌نماییم. با نیروی نشات گرفته از عشق‌ورزی بی قید و شرط، در هر لحظه می‌توانیم الوهیت خویش را به تصویر بکشیم. در عمق قلب و روحمان، حقیقتا فرشتگانی الهی هستیم و همچنان که در مسیر متجلی نمودن مجدد این حقیقت گام برمی‌داریم، لحظه لحظه‌ی این فرآیند لذت بخش خواهد بود.

راهنمایی درونی در ژرفای وجود ما سکنا گزیده و هنگامی که در مسیر پر پیچ و خم زندگی، هدایت این خود والاترمان را مورد توجه قرار داده و می‌پذیریم، عشقِ نهفته در قلب و جان ما، فوران می‌کند. نیروی تحقق نیازمندی‌ها و آرزوهایمان، در درون خود ما است. به جای توسل به نیروهای بیرونی، می‌توانیم انرژی خویش را برای پرورش استعداد و توانایی‌های موجود در درونمان بکار گیریم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر الوهیت است. هنگامی که زندگی را با عشق معنا می‌بخشیم، فرشته بودن ما متجلی می‌شود، که حقیقت وجود ما بوده و هست.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

مهربانی

مهربانی

با مهربانی، سخت‌ترین و زخم‌دیده‌ترین قلب هم التیام می‌یابد و این عمل باعث بهبود درد و رنج احساسی و عاطفی دوران زندگی می‌گردد. محبت و مهربانی نتیجه‌ی بزرگمنشی ساده، و بی‌آلایشی است. فرد مهربان و بخشنده با ابراز محبت، می‌تواند لذت و خوشی عشق‌ورزی بی‌قید و شرط را درک کند، ولی کسی که صرفاً مورد محبت و مهربانی قرار می‌گیرد، تنها می‌تواند این عمل را تایید کند و خود قادر به درک لذت و سرور ناشی از عشق بی‌قید و شرط نخواهد بود. هیچ عمل قابل توجه و مهمی وجود ندارد که از طریق عشق به انجام نرسد.

مهربانی ارتعاشاتی را منتشر می‌کند که به صورت امواجی ماریچج جاری می‌گردند و بسیار بیش‌تر از آن چه ظاهراً قابل مشاهده است، و فراتر از آن چه در قوه‌ی تصور و درک ما می‌گنجد، موثر واقع می‌شود. مهربانی مبتنی بر نجابت و آرامش در روح و سیمای ظاهر است که فضیلت و ویژگی‌های مثبت و قابل پرورشی در مسیر رشد و پیشرفت و موفقیت واقعی هستند.

عشق بی‌قید و شرط مبتنی بر مهربانی و محبت است. هنگامی که نسبت به خود و دیگران مهربان هستیم، جلوه‌ای از بهشت را همین‌جا بر روی کره‌ی زمین متجلی می‌نماییم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

قدردانی

قدردانی

با قدردانی، همواره نیروی عظیمی جاری می‌شود. هنگامی که قدر آن چه که در اطراف ما وجود دارند را می‌دانیم، و نیز زندگی در لحظه‌ی حال را ارج می‌نهیم، اندیشه و احساسات و رفتارهای مثبت را در زندگی خویش گسترش می‌دهیم. وقتی آگاهانه تلاش می‌کنیم تا به بخش‌های مختلف زندگی و وجود خویش توجه نماییم، پیوند و همبستگی خود را با کل هستی، به وضوح مشاهده می‌کنیم.

نسبت به همه‌ی تجارب و مراحل زندگی، چه تجارب ساده و پیش پا افتاده و چه تجربیات هیجان‌انگیز، چالش‌برانگیز و دشوار، بایستی سپاسگزار و پذیرا باشیم. هر کس و هر چیزی که در سر راه ما قرار می‌گیرد، بی‌حکمت نیست و ما را به ورای استعداد و توانایی‌هایمان می‌رساند؛ و این موهبتی است که از طریق آن‌ها متوجه ما می‌شود. با فرا رفتن از قید و بند محدودیت‌های فکری و احساسی، و نیز داشتن قلب و ذهنی باز و گشوده، در هر لحظه سپاسگزار زندگی باشیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر قدردانی است. در مسیر رشد و نمو خود، ذره ذره‌ی واقعیت فیزیکی و جهان هستی با ما همراه شده و به ما یاری می‌رساند و به نوبه‌ی خود وظیفه‌ی ما است که سپاسگزار آن باشیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

کمال

کمال

در قلب هر یک از ما، تجسمی از کمال نقش بسته است. از نخستین سلول تا شکل‌گیری کالبد و واقعیت فعلی وجود ما، این تصویر کمال در هشیاری و آگاهی درونی ما همواره وجود داشته و دارد تا به ما در تحقق استعداد و توانایی‌هایمان در راستای رسیدن به این کمال مطلوب، یاری رساند. با برخورداری از اندیشه‌ها و احساساتی مبتنی بر عشق بی قید و شرط، همواره می‌توانیم این کمال را به صورتی شگفت‌انگیزتر متجلی نماییم.

تصور می‌کنیم که معمولاً آدمی از کمال دارد، چیزی دست‌نیافتنی و غیر واقعی است و این در حالی است که به سادگی نفس کشیدن، می‌توانیم به همدیگر بی قید و شرط عشق بورزیم تا این ذات و سرشت وجودی ما، یعنی کمال، در ما متجلی شود. در ژرفای وجود هر موجودی، سیمایی از این کمال وجود دارد که آماده‌ی به ظهور رسیدن و جلوه‌گری است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر کمال است. در حقیقت، علاوه بر ذهن و احساسات ما، تمام چیزهایی که به طور طبیعی جزئی از این جهان هستی هستند نیز، می‌توانند به کمال برسند.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

زیبایی

زیبایی

زیبایی‌ای فراتر از خوش‌منظری و جمال ظاهری و فیزیکی موجود در کل جهان آفرینش وجود دارد؛ زیبایی واقعی در ورای ابعاد فیزیکی، از ذات و روح موجودات سرچشمه می‌گیرد که سیما و تجلی فطری نهفته در ژرفای وجود هر یک از ما است. با عشق‌ورزی مبتنی بر چنین دیدگاهی متعالی، حقیقت زیبایی آشکار می‌شود.

هنگامی که از بعدی زیبا به رویدادها و تجارب مختلف زندگی می‌نگریم، به مرور به درک عظیمی نایل می‌شویم که طبیعت درونی ما را می‌نمایاند. طی این فرآیند، این زیبایی، به نوبه‌ی خود تأثیرگذارتر شده، و درخشندگی شگرفش را همچون نور آفتاب، بر وجود ما می‌تاباند. هدف از بودن ما، نمایاندن و رشد و تعالی این زیبایی، و لذت بردن از چنین موهبت ارزشمندی است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر زیبایی است. زیبایی عشق، در ژرفای وجود ما، همانند شکفتن جوانه‌ای در مسیر کمال، متجلی می‌شود.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

اعتماد

اعتماد

پرورش خودباوری بزرگ‌ترین فرصت و نیز بزرگ‌ترین چالشی است که همواره ممکن است با آن مواجه شویم. با رسیدن به خودشناسی، به این درک نایل می‌شویم که به توانایی‌هایمان اعتماد کنیم و مطابق نور و روشنایی و حقیقت درونی خویش عمل نماییم. بدون خودباوری، دچار شک و تردید شده و بدگمانی نسبت به واقعیت بیرونی خودمان موج می‌زند. رسیدن به چنین سطحی از خود هشیاری و اعتماد به نفس، از موهبت‌های بنیادین در کسب هماهنگی و آرامش درونی مبتنی بر سرشت ما است.

با اعتماد به نفس، هر لحظه در بطن موهبت‌های بی‌کران و در حال انتخاب آگاهانه‌ی نوع زندگی و آفرینش هستیم، عالی‌ترین مسیر رشد و تعالی را شناخته و خردمندی، مبنای آموزش ما می‌گردد. و می‌توانیم با داشتن خلاقیت در هر لحظه از زندگی، و پرورش موهبت‌های ذاتی خود، استعداد و توانایی‌های خویش را کشف نموده و رشد و تعالی بخشیم. با اعتماد به نفس، شهامت بلندپروازی را خواهیم داشت.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر اعتماد است. عشق‌ورزی بی قید و شرط به خودمان، خود، اعتماد و تاییدی است بر نیروی عشق.

عشق

بی قید و شرط

یعنی

عدم وابستگی

عدم وابستگی

با عشق‌ورزی به هم‌نوعان خویش، آزادی‌ای در بین ما به وجود می‌آید که به گسترش و افزایش هرچه بیشتر عشق‌ورزی در میان ما منجر می‌شود. در عین حال و به طور طبیعی، هنگامی که می‌ترسیم کسی یا چیزی را از دست دهیم، و یا بدلیل وابستگی، محکم به آن چسبیده و آن را محدود نگه داشته‌ایم، در نتیجه، فرصتِ ظهور و شکوفایی و بهره‌مندی از گوهر و موهبت درونی و حقیقی آن را از دست می‌دهیم. چه به انسان‌ها، اشیا و چه به اندیشه‌ها و یا احساساتِ خاصی وابسته باشیم، در هر صورت و در عین گرمی داشتن و بهره‌مندی و لذت بردن از آنها، می‌توانیم از قید و بند آنها رها شده و آنها را آزاد بگذاریم تا علاوه بر ما، ماهیت وجود آن شخص، موجود، اندیشه یا احساس، به صورت متعالی‌تری متجلی شود.

عدم وابستگی، پیش‌نیاز تجربه‌ی زندگی به کامل‌ترین شکل ممکن است. هنگامی که تعلق و وابستگی از لیست نیازهای ما حذف می‌شوند، زیباییِ نهفته در هستی و موجودیت ما شکوفا و نمایان شده و وجود ما را سرشار از عشق می‌سازد، پس بیش از این نسبت به افراد و آن چه مربوط به ما است، محدودیت ایجاد نکرده و نظرات و قید و بندهای خویش را بر آن‌ها تحمیل نمی‌نماییم. با زیستن در لحظه‌ی حال، از تمام موهبت‌های زندگی، تنها به صرف وجودشان لذت می‌بریم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر عدم وابستگی است. عشق‌ورزی بی قید و شرط اوج عدم وابستگی و سرمنزل مقصود است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

عفو و گذشت

عفو و گذشت

توانایی بخشیدن، نیروی شفا دهنده و التیام‌بخش بی نظیری در وجود هر یک از ما است. عفو و گذشت علاوه بر جنبه‌ی الهی آن، نوعی رهایی همیشگی از قید و بند دیدگاه‌ها و باورهای محدودمان است. از طریق گذشت و بخشایش است که از وابستگی‌های احساسی خویش رها شده و با شدت و قدرت بیشتری می‌توانیم عشق بورزیم. و این نخستین قدم در تجلی و تجربه‌ی آزادی حقیقی درونی است.

در زندگی هیچ چیزی با ارزش‌تر از عفو و گذشت نیست. اهمیتی ندارد که خود باعث رنجش و ناراحتی خود شده‌ایم یا این که دیگران مسبب آن بوده‌اند، چرا که همواره نیرویی در ژرفای وجود ما نهفته است که در صورت تجلی و بهره‌مندی از آن، می‌توانیم خود و دیگران را ببخشیم، و این نیرو و موهبت شگفت‌انگیز است که همواره می‌تواند عشق را به زندگی ما سرازیر نماید. قبل از این که لحظه‌ی دیگری از دست رود، همه چیز و همه کس، از جمله خودت را ببخش.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر گذشت و بخشایش است. عشق به خودمان، یعنی بخشودن خودمان؛ و عفو و گذشت نسبت به خود، مساوی است با کشف گوهرِ درونیِ خویش.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

آغازی نو

آغازی نو

هر لحظه در هر روز، لحظه‌ای جدید و شروعی دوباره است، و این تازگیِ همیشگی، حقیقتی جاویدان از هستی و وجود ما است. ما فرصت داریم تا در هر لحظه تغییر کنیم و با توسل به نیروی اندیشه و احساساتمان به آن سوی باورهای محدود فعلی خویش رهسپار شده و رشد و تعالی یابیم. صرفاً با تغییر در نقطه‌ی تمرکز و نگرش خود، زندگی خویش را از سر گرفته و بر اساس کانون و سمت و سوی تازه، می‌آفرینیم.

اگر می‌خواهیم بدانیم چه کسی بوده‌ایم، می‌توانیم به واقعیت فیزیکی زندگی فعلی خویش، که نمایانگر دیدگاه‌های گذشته‌ی ما است، نظر اندازیم. همچنین با آگاهی از اندیشه و احساسات فعلی خود است که می‌توانیم آینده‌ی خویش را پیش‌بینی نموده و از هم اکنون بدانیم که چه کسی خواهیم شد. همین لحظه‌ی حال کنونی، رمز ورود به تمامی واقعیات گذشته، حال و آینده، و تنها فرصت موجود برای تغییر همیشگی است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر آغازی دوباره است. با نیروی عشق به خود است که پرده از رمز و راز موهبت‌ها گشوده، و زندگی را از نو آغاز می‌نماییم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

تمرکز

تمرکز

شایسته نیست که هیچ‌گاه نیروی تمرکز و توجه خویش را دست‌کم بگیریم. تمرکز، هدایتگر اندیشه و احساسات ما در مسیر تحقق اهداف و آرزوها، و نیز ملموس و واقعی کردن رویاهای ما است. توانایی ما در حفظ تمرکزمان بر روی هدف است که دستاوردهای مورد نظر ما را به دنبال دارد.

هنگامی که افکار خویش را بر روی آرزوها و آرمان‌های عاشقانه و خلاقانه متمرکز می‌کنیم، انرژی مثبتی را منتشر می‌نماییم که به حفظ و رشد خودمان، و نیز تداوم موفقیت‌هایمان یاری می‌رساند. برعکس، هنگامی که توجه ما به سوی چیزهای کم‌اهمیت‌تری منحرف و متمایل می‌شود، نیرو و توانایی، جهت پیشروی و آفرینندگی در عالی‌ترین مسیر موفقیت، از دست رفته و تحلیل می‌رود. بدین گونه است که اغلب نتایج نامطلوبی در زندگی بدست می‌آید که ناشی از تمرکز نادرست ما است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر تمرکز است. با تمرکز بر عشق است که فوران عشق در زندگی ما گسترش یافته و تداوم می‌یابد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

صداقت

صداقت

برای این که به خوبی خودمان را بشناسیم، قصد و نیت ما در تمام مراحل زندگی بایستی صادقانه باشد. چنین صداقتی از عشق به خویشتن سرچشمه می‌گیرد، و حاصل اشتیاقی سوزان در مسیر زندگی عاری از جهل و ظلمتِ ناشی از باورهای گمراه‌کننده می‌باشد، و بر این اساس است که می‌توانیم فرق میان ذات و حقیقت اصیل خویش از واقعیات بیرونی‌ای که جزئی از ما شده‌اند را تشخیص دهیم.

صادقانه، صادقانه، صادقانه به خود نظر اندازیم تا نسبت به ژرف‌ترین نقطه‌ی سرشت خویش حساس شده، و حقیقتِ برتری را که هستیم درک کنیم. رشد و تکامل شخصی، با تعمق صادقانه در مسیر تجلی درک درونی حاصل می‌شود. ذات و جوهره‌ی موجودیت ما، در این درجه از خلوص استعداد و توانایی‌هایمان جای گرفته است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر صداقت است. با عشق به خود و دیگران است که ارزش صداقت و صمیمیت را در زندگی درخواهیم یافت.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

داد و انصاف

داد و انصاف

هنگامی که انسان دادگر و منصفی هستیم، فارغ از کوتاه‌نگری، تصویر پشت پرده‌ی بزرگتری از ماجرای هر رویداد را، با روشن‌بینی نگریسته و درک می‌کنیم. با برخورداری از دیدگاهی فراخ‌تر، تصمیمات خود را نه بر اساس حدس و پیش‌داوری، که بر مبنای حقیقت و موشکافی اتخاذ می‌نماییم. بدین ترتیب، وجود خود را از عشق بی قید و شرط سرشار ساخته و توانایی خویش را در راستای حل و فصل مشکلات، همواره گسترش می‌دهیم.

با تداوم دادگری واقعی در مسیر پشتیبانی از خود و دیگران، می‌توانیم با اراده‌ای آزاد، وظایف جهانی خویش را شناخته و به حق انتخاب شخصی خویش که البته شامل مسئولیت ما در حق انتخابان هم هست، پی ببریم. این انگاره‌ی بنیادی خاطر نشان می‌سازد که همگی ما با اعمال فردیمان، در بازی جهانی توازن علت و معلولی، در حال ایفای نقش هستیم. زمانی که عشق‌ورزی بی قید و شرط را فرا می‌گیریم، فارغ از رابطه‌ی علت و معلولی، در جایگاه علت‌العللی می‌نشینیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر عدالت و انصاف است. با عشق بی قید و شرط، عدالت حقیقی، مقدار و موقعیت کل انرژی هستی را در مسیر هماهنگی و یک‌پارچگی، متعادل می‌سازد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

یک پارچگی شخصیت

یک پارچگی شخصیت

درجه‌ای فراتر از یک پارچگی شخصیت در آدمی وجود ندارد. صرف نظر از هر نوع تمایل و قصد و نیتی مثبت در این دنیا، سرانجام بر مبنای یک پارچگی شخصیت مان شناخته می‌شویم. کافی است این ویژگی را پرورش داده و خود بخواهیم، تا نتایج عاشقانه و شگفت‌آور آن را در زندگی تجربه نماییم.

یک پارچگی شخصیت ما، در هر اندیشه، سخن، رفتار و عملی نمایان می‌شود. هنگامی که ژرف‌ترین جنبه‌ی حقیقتِ نهفته در وجودمان را دنبال کرده، و تجربه‌ی زندگی متعالی‌تری را در سر می‌پرورانیم، در واقع با این ویژگی عاشقانه مسیر خویش را هموار می‌نماییم. بدون یک پارچگی شخصیت، اغلب در دریایی از جرم و شرارت، خود بی ارزش‌پنداری و فقدان عزت نفس، غرق می‌شویم. تنها با عشق به خود و صداقت درونی است که می‌توانیم شاهد یک پارچگی شخصیت خویش باشیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر یک پارچگی شخصیت است. برای این که با یک پارچگی شخصیتان شما را بشناسند، بایستی به صورت شخصیتی دوست‌داشتنی شناخته شوید.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

نرمی و نجابت

نرمی و نجابت

هنگامی که مهربانی از روح ما سرچشمه می‌گیرد، به همراه روند طبیعی عشق روان شده، و به صورتی مهربانانه با کل هستی و زندگی ارتباط برقرار می‌نماییم. با داشتن سیمایی ساکت و آرام، نیرویی در وجود ما جاری می‌شود که به مدیریتِ خویشتن، و تسلط بر سیل و طغیان شدید افکار و احساساتمان یاری می‌رساند. عشق نیرویی کمکی در برخورداری از این نرمی و نجابت است و توسط کسی ظهور می‌یابد که در پی شناخت قدرت خویش باشد.

کسی که خودش را وقف آرزوهای همیشگی مبتنی بر استعداد و توانایی و شخصیت حقیقی خویش می‌کند، انسان شجاع و نیرومندی است. در هر صورت، نتایج چنین عملی بسیار خارق العاده‌تر از کسب رضایت زودگذر منیت خویش است، زیرا هنگامی که نرمی و نجابت در وجود ما موج می‌زند، سیما و نمود ژرف‌تری از وجودمان را درک نموده و به خودمان امکان می‌دهیم تا به صورت برازنده و جذابی شکوفا شویم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر نرمی و نجابت است. برای این که زندگی را به هر شکل ممکن، و در هر جایی به صورت واقعاً کامل تجربه نماییم، ضروری است دیدگاهی مهربانانه و عاشقانه نسبت به زندگی داشته باشیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

جوانی وجود

جوانی وجود

با معصومیت کودکانه است که می‌توانیم توانایی و استعداد حقیقی خودمان را کشف نماییم. و سبک‌بار و به دور از مشکلات و مسایل، و همچنین مملو از تخیل، در پی دسترسی به ژرف‌ترین نقطه‌ی ذهن و احساسات خویش برآییم. در چنین شرایطی است که موانع و محدودیت‌های پیش روی ما رخت بر بسته، و در عوض، در هر لحظه همراه با صلح و آرامش و کمال مطلوب خویش زندگی می‌کنیم. جوانی وجود ما است که چنین آرمان‌های ساده و طبیعی‌ای را به همان صورتی که ظهور یافته‌اند، حفظ می‌نماید.

هرگز آن‌قدر دیر نیست که نتوانیم جوانی وجود خویش را بازباییم، و بار دیگر زندگی خویش را بدان مفهومی که باید داشته باشد، تجربه نماییم. هنگامی که راه خود را از مسیر باورهای محدود، و ساختارها و چارچوب‌های تحمیلی مختلف جدا می‌کنیم، آن‌گاه هر لحظه از زندگی ما لحظه‌ای ناب و کامل است. البته هیچ‌گاه توانایی خود را در به ظهور رساندن تخیل خویش به طور کامل از دست نمی‌دهیم، بلکه با پیروی از ارزش‌هایی خارج از وجود خودمان، تنها از تخیل و تجربه‌ی لحظه‌ی ناب زندگی فاصله می‌گیریم. اگر بیش از اندازه از مسیر خود منحرف شویم، جوهره‌ی اصلی وجودمان را به فراموشی سپرده، و هیجان از وجود ما رخت برمی‌بندد.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر جوانی وجود است. به اندازه‌ی کافی به خودت عشق بورز، و دقت کن که در ژرفای وجود و قلبت، همیشه جوان و فارغ از سن و سال و محدودیت هستی.

عشق
بی قید و شرط
یعنی
هشیاری

هشیاری

به محض این که از خوابی بیدار می‌شویم که قبلا آن را واقعیت می‌پنداشتیم، به اندیشه و احساسات و توانایی خود، برای آفریدن رویاهایمان ایمان می‌آوریم. با موهبت تخیل و نیروی اشتیاق، تمام آن چه را برای رنگ‌آمیزی بوم زندگی نیازمندیم در اختیار داریم. همچنان که این هشیاری بی‌همتا را بیشتر پرورش دهیم، حیات هشیارانه‌تری خواهیم داشت، و ماهیت زندگی را درک کرده و خواهیم شناخت.

در چنین شرایطی، ضرورتی نخواهد داشت بیش از این نسبت به زندگی خویش بی‌تفاوت باشیم، و اجازه دهیم که به واسطه‌ی هر کس و هر چیز، هر اتفاقی برای ما رخ دهد. با بهره‌مندی از نیروی عشق، به صورت آگاهانه، می‌توانیم انرژی‌های خود را برای متجلی ساختن رویاهایمان جاری سازیم. هشیاری نسبت به رهنمودهای درونی و تمایلات عالی خویش، به حفظ تمرکز ما بر روی اهدافی که دنبال می‌کنیم، یاری می‌رساند.

عشق‌ورزی بی‌قید و شرط مبتنی بر هشیاری است. هشیاری نیرویی برآمده از عشق‌ورزی است که امواجش را در پیرامون کل هستی و وجود ما می‌پراکند.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

العام

الهام

الهام، آگاهی برترِ درونیِ سرچشمه گرفته از تمرکز و توازن است. با آرامش ذهنی و تعمق درونی، توانایی خویش را برای درک ایده‌هایی که دقیقاً از ذهن و احساسات متعالیمان سرچشمه می‌گیرند، ارتقا می‌دهیم. با درک لحظات مبتنی بر بینشی عظیم و الهامی است که به وضوح به راه حل هر چالش و مشکلی پی می‌بریم.

با دانستن این که برای هر مشکل، همواره پاسخ و راه‌حلی وجود دارد، دری به روی ما گشوده می‌شود و ایده‌های الهام بخشی متجلی می‌گردند. جهت انجام فعالیت‌های مبتکرانه، و نیز امور روزمره، تخیل نیرومندی داریم که در پیش‌برد شیوه‌های نوین انجام کارها، می‌تواند ما را یاری رساند. بهره‌برداری از این منبع حیاتی، جزئی از تعالی همیشگی ما، در هماهنگی الهام و خرد والاتر با یکدیگر است.

عشق‌ورزی بی قید و شرط مبتنی بر الهام است. نیروی عشق عاملی در تجلی عالی‌ترین شکل الهام، در زندگی ما است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

راهنمایی

راهنمایی

هنگامی که راهنمایی درونیمان را مورد توجه قرار می‌دهیم، در واقع از الهامات قلبی خویش پیروی می‌کنیم، و با حرکت در چنین مسیری، گمراهی بی معنا خواهد شد. به همین صورت، با پیمودن این مسیر درونی، در کمک به دیگران، برای ارتباط با نیروی ادراک و حقیقت درونیشان، مفیدتر واقع می‌شویم. با فراگیری بهره‌مندی از راهنمایی درونی، می‌توانیم دیگران را در هماهنگی با خردشان رهنمون شویم. با چنین موهبتی است که می‌توانیم دنیای پیرامون خویش را از آن بهره‌مند نموده و در آن سهم گردانیم.

با اعتماد به پیغام‌ها و رهنمودهای درونی، موفقیت بیشتری در فعالیت‌های روزمره حاصل می‌گردد. هرگاه به عمق درون خویش گوش می‌سپاریم، منبع شخصی قدرت و عشق و خردمان را تایید و تقویت می‌نماییم. این راهنمای خارق‌العاده‌ی درونی، خودِ والاتر ما است که همواره با ما بوده، و می‌داند قدم مناسب بعدی‌ای که بایستی برداریم چیست.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر راهنمایی است. عشق، این راهنمایی کامل را در تجارب زندگی ما به ارمغان می‌آورد و رشد شخصی، مهربانی و شادی ما را تضمین می‌نماید.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

بخشش و سخاوت

بخشش و سخاوت

بخشنده بودن مساوی است با درک این اصل اساسی زندگی یعنی: با بخشیدن است که دریافت می‌کنید؛ اکنون می‌فهمیم که می‌توانیم بیشتر از اموال و دارایی‌هایمان ببخشیم. ما موهبت عشق را با تجلی ویژگی‌های زیبای بسیاری که دارد می‌بخشیم. با جاری ساختن انرژی خویش، مسیر بخشش و گسترش این موهبت در دنیای پیرامون ما هموار می‌گردد.

هماهنگی، آرامش، خنده، خرد و مهربانی، تنها چند مورد سخاوتمندانه‌ای است که در نهاد ما است. شادی و مهربانی و شجاعت و امید هم از آن جمله‌اند. این‌ها تمام موهبت‌هایی هستند که می‌توانیم به خودمان و دیگران ببخشیم. این موهبت‌ها از آن جایی که رایگان و آزادانه از قلب سرچشمه می‌گیرند نیازمند هیچ پول و چشم‌داشتی نیستند.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر بخشش و سخاوت است. برای بخشش و سخاوت، بایستی عشق بی قید و شرط را شناخته و خود مظهر و سمبلی از آن باشیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

فحالیّت

فعالیت

زندگی نوعی فعالیت است، و بدون آن نمی‌توانیم هدف معناداری داشته باشیم. هنگامی که در پی به‌ظهور رسانیدن رویاهایمان هستیم، در هر کاری که می‌کنیم، با جریان طبیعی و در مسیر مشارکت فعال در آن همسو می‌شویم، که ما را بسوی خلق شادی در کل اشکال زندگی روزمره هدایت می‌نماید.

همگی فعالیت می‌کنیم تا به نتایج مورد نظر خویش برسیم. از ایده‌ی اصلی خود تا برداشتن گام‌های واقعی، که نمودهای فیزیکی را در واقعیت زندگی ما به‌ظهور می‌رساند. همواره تمرکزمان را بر روی اندیشه‌ها و احساساتمان حفظ می‌کنیم. این تمرکز و فعالیت درونی است که نقطه‌ی آغاز هر دستاوردی در درون وجود ما، یا زمینه‌ساز کسب موفقیت‌های بیرونی است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر فعالیت است. هنگامی که زندگی و وجود ما سرشار از عشق بی قید و شرط می‌گردد، در جایگاهی قرار می‌گیریم، که می‌توانیم قدرتمندترین نیروی جهان را به حرکت در آوریم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

فہم و ادراک

فهم و ادراک

درک این موضوع که چه هستیم و که هستیم، به ما این توانایی را می‌بخشد تا ثروت و موهبت‌های درونی خویش را تقویت نماییم. هنگامی که با نقاط ضعف و قوت، قابلیت‌های فطری و حقیقت وجودی خودمان بیش‌تر آشنا می‌شویم، به بهترین شیوه‌ی ممکن استعداد و توانایی‌های خویش را شکوفا نموده و به همان صورت، اطرافیان و استعداد و توانایی‌های آنان را نیز بهتر درک می‌کنیم.

دستیابی به درک حقیقی، غالباً از دریچه‌ی چشم‌اندازی وسیع‌تر امکان‌پذیر است که با داشتن دیدگاهی هدفمند، و دورنمایی بی‌طرفانه نسبت به خود و دیگران، محدوده‌ی دید و ادراک ما وسعت می‌یابد. یاد می‌گیریم که بدون قضاوت و گمان، برای افکار، احساسات، گفتار، کردار و اعمال خویش ارزش قایل شده، و اجازه دهیم ظهور یافته و جاری شوند. با بهره‌مندی از چنین دیدگاهی، متوجه می‌شویم که با اعمالی عاشقانه می‌توانیم، ناهماهنگی و مشکلات بسیاری را برطرف و بهبود بخشیده، و یا با عفو و گذشت خالصانه، از قید و بند موارد بسیار دیگری رها شویم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر فهم و درک است. با درک هستی و ماهیت وجودی خویش از طریق عشق است که به عظیم‌ترین نیرو، و باشکوه‌ترین سیما و جلوه‌ی زندگی پی می‌بریم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

خلاصیت

خلاقیت

هر کس به طور طبیعی می‌تواند با تمرکز بر علایق، و با استفاده از نیروی تخیل و نیز تمایلش برای شکوفایی، چیزی نو بیافریند. این آفرینندگی جزئی از زندگی روزمره‌ی ما بوده که در هر لحظه از زندگی انجام می‌دهیم. هر یک از ما، چه هنرمند باشیم یا موسیقی‌دان، چه خانه‌دار باشیم یا تاجر، در هر صورت، فرآیند خلاقیت مشابهی را در هر کاری که انجام می‌دهیم، به کار می‌گیریم.

همواره ایده‌ها، منابع و عناصر بی‌شماری را، به شیوه‌های خلاقانه‌ی بسیاری گردآوری نموده و مورد استفاده قرار می‌دهیم، تا تجارب زندگی خویش را با همدیگر به اشتراک گذاریم. مهم نیست چگونه به استعدادهای خلاقانه‌ی خویش پی می‌بریم، چرا که در هر لحظه به صورت تجربه‌ای واقعی در زندگی‌مان، این انرژی پویا را به کار می‌گیریم. با تغییر اندکی در نوع نگرشمان، می‌توانیم موجودیت خلاق خویش را تجسم نماییم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر خلاقیت است. آفریدن لحظه لحظه‌ی زندگی، به صورتی عاشقانه، ژرف‌ترین و بهترین خلاقیتی است که در سراسر جهان هستی امکان‌پذیر است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

نیروی تخیل

نیروی تخیل

تخیل ما، موهبت و کلید طلایی موجود در دستیابی و تحقق تمامی احتمالات مثبت است. فراتر از تمام ادراکات و باورهای محدود خویش، نیرویی باورنکردنی در درون ما نهفته است، که با استفاده از آن می‌توانیم واقعیت‌های نوینی را متجلی نماییم. هنگامی که بر عمق وجود خود متمرکز می‌شویم، و این نبوغ فطری موجود در هشیاری خویش را به کار می‌گیریم، درمی‌یابیم که از فرصت‌های بی‌کرانی بهره‌مندیم و می‌توانیم رویاهای خویش را گسترش دهیم.

همچنان که در فصل بهار، گل جدیدی را کشت و پرورش می‌دهیم، به همین صورت نیز، بایست نیروی ذهنی و شگفت‌انگیز تخیل را، از نو تقویت نموده و پرورانیم. تنها با قرار گرفتن در چنین مسیری است که همواره از استعداد و توانایی‌های خویش آگاه شده، و می‌توانیم مطمئن شویم که قادر به درک ایده‌های نوین هستیم. با نیروی تخیلمان، هرگونه خواسته و احتمالی را، قبل از آن که در دنیای بیرونی تجربه نماییم، می‌توانیم به بهترین صورت ممکن شکل داده، تجسم نموده و به ظهور برسانیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر نیروی تخیل است. اگر بتوانیم رویای چیزی را در سر پرورانیم، می‌توانیم آن را ساخته و تحقق بخشیم، و اگر در این فرآیند از عشق بهره‌مند شویم، هیچ محدودیتی در رسیدن به اهدافی که می‌توانیم به آن‌ها برسیم، وجود نخواهد داشت.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

شاد کامی

شادکامی

شادکامی حالتی از موجودیت است که از احساس پذیرش و عشق به خود نشأت می‌گیرد. نقطه‌ی آغاز دست‌یابی به دیدگاهی سعادت‌مندانه، برخورداری از زندگی آمیخته با صلح و آرامش است. همچنان که این ویژگی را بیش‌تر به ظهور می‌رسانیم، فوران شادکامی را در زندگی خویش مشاهده می‌کنیم. شادکامی، خصوصیت و ویژگی قابل توسعه و گسترشی است که با طبیعت سرورآمیز فطری‌اش، بر هر کس و هر چیزی تأثیر گذاشته، و آن را دگرگون می‌سازد.

چگونه می‌توانیم در هر شرایطی خوشحال باشیم؟ تجربه‌ی شادکامی ساده است، با متمرکز نمودن توجه خود بر موهبت‌های مثبت، شادی نهفته در عمق وجود خویش را کشف و متجلی می‌نماییم. هنگامی نارضایتی، که توهمی بیش نیست، زندگی شما را دربر می‌گیرد، به سادگی دوباره می‌توانید متوجه عمق وجود خویش شده، و شادی سحرانگیزی را در قلب خویش درک کنید.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر شادکامی است. هنگامی که به این درک می‌رسیم، که همواره هر کسی در عمق وجود خود بی‌عیب، و کامل بوده و هست، اوج شادی در عشق‌ورزی بی قید و شرط، نسبت به خودمان و هر کس دیگری متجلی می‌شود.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

هدف

هدف

هر یک از ما موهبت ویژه‌ای برای سهیم شدن با بقیه‌ی بشریت داریم، و آن موهبت عشق است. با چنین هدف بی همتایی، به آسانی می‌توانیم زیبایی و شگفتی زندگی بر فراز این سیاره را درک کنیم. به سادگی، با "خود بودن" (و تجلی ماهیت واقعی وجود خویش) و نیز معطوف کردن توجه‌مان به عشق، در هر لحظه سرنوشت خویش را تحقق می‌بخشیم.

بسیاری از ما، معنا و مفهوم و هدف زندگی خویش را در جستجوی مداوم بیرونی می‌دانیم، با این حال در کل این مسیر، همواره تنها اندیشه و احساسی که داریم، حاکی از آن است که از حقیقت وجودی خویش دور می‌شویم. خصوصیات و ویژگی‌های عشق در عمق وجود ما نهفته‌اند، و تنها کافی است هشیار بوده و به سادگی از آن‌ها بهره‌مند شویم. همچنان که این اندیشه و احساسات مثبت و متعالی را پذیرفته و جزئی از وجود ما می‌شوند، به رشد و شکوفایی هر کس و هر چیزی در اطراف خویش یاری می‌رسانیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر هدف است. هنگامی که هدف زندگی خویش را شناخته و درک کنیم، نیروی عشق بی قید و شرط متجلی می‌شود.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

تلاط بر نفس

تسلط بر نفس

با خودسازی خویش، قدم به قدم، شاهره تسلط بر نفس را هموار می‌نماییم. با حرکت در این مسیر خارق‌العاده‌ی یادگیری و تکامل، می‌توانیم به صورتی آگاهانه از انرژی جهانی زندگی بهره‌مند شویم. هنگامی که وجود ما سرشار از عشق می‌گردد، به بهترین شکل ممکن آن را تجربه می‌نماییم و برعکس، با عدم پیشگیری از ورود بدبینی و منفی‌بافی به دنیای خویش، موهبت‌های بیکران را در زندگی خود، مسدود و محدود می‌سازیم.

تسلط بر نفس، هنر متمرکز ماندن بر آرمان‌های متعالیمان است که شامل انعکاس عشق بی قید و شرط، به کل اشکال واقعیت زندگی و هستی است. تسلط بر نفس، مبتنی بر جای گرفتن در جایگاه خرد والایان است که مسئول «ایگو» و شخصیت بیرونی ما می‌باشد. مرحله به مرحله فرا می‌گیریم که قدرت افسانه‌ای درونی خویش را مهار نموده، و به منظور به حداکثر رساندن اثر عاشقانه‌اش آن را جاری سازیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر تسلط بر نفس است. هنگامی که نیروی عشق بر ما فایق می‌آید، بر لحظه‌ی حال سیطره یافته، و استعداد و توانایی بی حد و حصر خویش را متجلی می‌نماییم.

عشق

بی قید و شرط

یعنی

رحمت

رحمت

لطف و رحمت، از عشق بی قید و شرط سرچشمه می‌گیرد. این انرژیِ عالی، حتی دشوارترین تجارب زندگی را دگرگون می‌کند، ناهماهنگی را از میان می‌برد و عشقِ نهفته در عمق وجود ما را به منصفی ظهور می‌رساند. وقتی وجود و زندگی خود را از نور رحمت سرشار می‌سازیم، با این ویژگیِ خارق‌العاده، به واقعیت هستی و زندگی خویش نیرو می‌بخشیم.

در میان آشفتگی و ناهماهنگی ویرانگرِ ظاهری، می‌توانیم به آرامی و سهولت گام برداریم، و آرامش و پاکی خویش را حفظ نموده و به نوبه‌ی خود، همچون فانوس دریایی، تسلی‌بخش و راهنمایی برای اطرافیانمان باشیم. در چنین حالتی از آرامش است که نیروی عشقِ همیشه موجود در عمق وجود ما، قابل شناخت است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر رحمت است. موهبتِ بی نهایت زیبای رحمت، از ویژگی‌های شگفت‌انگیز عشق است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

فداوانی

فراوانی

فقط در کهکشان ما هزاران میلیون ستاره، و تنها در یکی از سواحل موجود در کنار دریا هم، بی نهایت دانه‌ی شن و ماسه وجود دارد. این دنیا از هر لحاظ دنیای نعمت و فراوانی است. ما هم به عنوان موجودی خلاق، به همان ترتیب، قابلیت بی حد و حصری برای شکوفایی استعداد و توانایی‌های خویش داریم. هنگامی که به درستی عشق را درک کنیم، آن‌گاه درمی‌یابیم که فراتر از آن چه که برای تحقق تمامی رویاهای فردی، و بزرگ‌ترین خواسته‌هایمان نیازمندیم، نعمت و فراوانی وجود دارد.

در واقع تمامی آن چه را که جهت تامین نیازهای اساسی خویش، و حتی بیش‌تر از آنچه که می‌خواهیم، در اختیار داریم. همچنان که فرا می‌گیریم به شکلی عالی، از انرژی زندگی بهره‌مند شویم، منبع بیکرانی که همیشه چشم انتظارش بودیم را از طریق عشق به ظهور می‌رسانیم. به ستارگان آسمان بنگرید و به عنوان موجودی بی نهایت خلاق، گنج نهفته در وجود خویش را به خاطر آورید.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر فراوانی است. عشق بی قید و شرط شیوه‌ای برای زندگی و موجودیت، به شکلی بی نهایت و نامحدود است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

نیرومندی

نیرومندی

نیرومندی خصوصیتی است که اعتماد به نفس ما را بازتاب می‌دهد. هنگامی که حقیقت وجود خویش را می‌شناسیم، آن‌گاه می‌دانیم چه کسی هستیم، و می‌توانیم با استفاده از انرژی خویش، خوبی را در زندگی خود جاری سازیم، و این مبتنی بر سرزندگی شخصی و پذیرفتن استعداد و تواناییمان می‌باشد. با خودباوری است که از هر لحاظی نیرومندتر می‌شویم.

ما بایستی شجاعت رفتن به آن سوی محدودیت‌هایی را که درک می‌کنیم، داشته باشیم، و این کار هرگز مستلزم داشتن تنومندی و قدرت بدنی نیست، بلکه با تحقق رویاهای خویش و عشق‌ورزی به دنیا بدون هیچ قید و شرطی است که احساس نیرومندی می‌کنیم. برای زندگی کردن بر مبنای حقیقت وجودی خویش جهت رسیدن به بزرگترین آرمان‌ها، نیازمند شجاعت و نیرومندی حقیقی هستیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر نیرومندی است. نیروی بی حد و حصر درونی خویش را کشف نموده، و این نیرومندی را با عشقِ نهفته در وجود خویش درآمیزد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

صمیمیت

صمیمیت

همچنان که نیروی عشق‌ورزی به خود را شکوفا نموده و پرورش می‌دهیم، به طور طبیعی صمیمی‌تر می‌شویم. خرد درونی ما راهنمای این مسیر، جهت تجلی این ویژگی ممتاز است. با صمیمیت، کردار و گفتار ما سرشار از هماهنگی می‌شود. با ابراز وجود خویش به صورتی عاشقانه است که می‌توانیم مطمئن شویم، ویژگی شگفت‌انگیز صمیمیت، همواره در زندگی ما به صورت سرمشق و الگو شناخته می‌شود.

صمیمیت ساده است، و به معنی طبیعی بودن اندیشه، احساسات و کردارهای ما است. بر محدودیت‌ها و ادراکات شخصی خویش فایق می‌آییم و تصمیم می‌گیریم فقط خودمان باشیم. وجود هر یک از ما مبتنی بر حقیقتی ویژه است، و ما هستیم که به خود امکان به ظهور رسانی موهبت‌های مثبت را در هر لحظه‌ی زندگی می‌دهیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر صمیمیت است. هنگامی که وجود و زندگی ما لبریز از عشق بی قید و شرط باشد، صمیمی شدن آسان است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

شجاعت

شجاعت

شجاعت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که هر لحظه می‌توانیم آن را گسترش دهیم. برای تحقق رویاهایمان نیازمند بهره‌مندی از شجاعت هستیم تا در طول مسیر زندگی، بر موانع پیش رو غلبه نماییم. همچنین شجاعت به ما یاری می‌رساند که تصمیم درستی گرفته، و نیروی را که اغلب تصور می‌کنیم از آن بی بهره‌ایم، بدست آوریم. هرچه شهامت بیشتری به خرج می‌دهیم، شجاعت خویش را نیز افزایش می‌دهیم، و ارزش شجاعت در پرورش و تقویت نیروی شگفت‌انگیز درونی ما نهفته است.

هنگامی که با اوضاع و شرایطی روبه‌رو می‌شویم که برای ما بسیار چالش‌برانگیز به نظر می‌رسند، شجاعتِ خویش را به کار گرفته و عمق درونمان را می‌کاویم تا نیروی غلبه بر هر شرایط دشواری را بیابیم. با درآمیختن نیروی عشق و شجاعت، می‌توانیم پیروزی خود در این فرآیند را تضمین نماییم. این شیوه‌ای برای شناخت و درک ویژگی‌های درونی و استعداد و توانایی واقعی خودمان است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر شجاعت است. هنگامی که اجازه می‌دهیم شجاعت در وجود ما ظهور کند، به خودمان عشق ورزیده و مهربانی و اعتماد را در قلب خویش جاری می‌سازیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

برگزیدن

برگزیدن

با اندیشیدن به هر آن چه که می‌خواهیم بدست آورده و یا بیافرینیم، در واقع آن چیز را برمی‌گزینیم، و با احساسی که در ما به وجود می‌آید، نیروی مورد نیاز برای خلق آرزوهایمان جاری می‌شود. واقعیت زندگی و هستی ما، نتیجه‌ی همین گزینش‌ها است. خواه نسبت به این فرآیند آگاه باشیم یا نه، در هر لحظه، از نیروی خلق و هدایت استعداد و تواناییمان بهره‌مند هستیم که مبتنی بر گزینش‌های ما است.

حق انتخاب و گزینش، بیانگر اوج آزادی ما است که همدیگر را در آن سهیم می‌نماییم. هنگامی که عشق وجود ما را فرا می‌گیرد، با اشتیاق، در پی عالی‌ترین گزینش‌های ممکن خواهیم بود (و حاضر نیستیم هر چیزی را انتخاب کنیم). هنگامی که توجه خویش را بر روی این هشیاری خارق‌العاده‌ی درونی خویش متمرکز می‌نماییم، فرا می‌گیریم که در بین تمامی موهبت‌های موجود، سرانجام کدام یک را برگزیده و تجربه نماییم. به همین سادگی است که نیروی جهانی و بی‌کران خویش برای "انتخاب" را پذیرفته و مورد استفاده قرار می‌دهیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر انتخاب است. در هر لحظه از زندگی هنگامی که انتخاب می‌کنیم تا بیشتر عشق بورزیم، در واقع عشق بیشتری هم به زندگی ما سرازیر می‌شود.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

اعتماد به نفس

اعتماد به نفس

خود درونی یا همان خویشتنِ خویش، راهنمایی حقیقی در مسیر شکوفایی استعداد و توانایی و ویژگی‌های وجود ما است. با تعمق در عمق وجود خویش، فرامی‌گیریم که به خرد و نیرومندی و توانایی‌های خویش اعتماد کرده و در مسیر رشد و تعالی، اعتماد به نفس لازم را بدست آوریم. بدون اعتماد به نفس، سرنوشت خویش را با عزتِ نفسِ پایین، و بر اساس دریایی از بدگمانی، برنامه‌ریزی می‌کنیم. مهم‌ترین کاری که می‌توانیم انجام دهیم، متجلی نمودن زیباییِ اعتماد به خویشتن است.

ما اعتماد به نفس را تنها در درون خود تجربه می‌کنیم، و ضروری است هشیار باشیم و با گزینشی آگاهانه، در پی چیزی باشیم که واقعاً برای ما مقدور است. اعتماد به نفس، شکیبایی را در ما پرورش داده، و قدرتِ درکِ ارزشِ وجودیِ خویش را به ما بخشیده و به مرور، هویت و شخصیتِ ما را بر مبنای باور و اعتماد به خویشتن، استوار می‌سازد.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر اعتماد به نفس است. هنگامی که بی قید و شرط به خویشتن عشق می‌ورزیم، اطمینان و اعتماد به نفسی را که همواره آرزوی داشتن آن را در سر پرورانده ایم، به دست می‌آوریم.



عشق
بی قید و شرط
یعنی
تندرستی

تندرستی

تندرستی حقیقی، از اندیشه و احساسات مثبت سرچشمه می‌گیرد. با درک این موضوع که بدن ما همواره در پی کسب و یا حفظ تعادل است، دوباره متوجه می‌شویم که تندرستی، ویژگی طبیعی هستی ما می‌باشد. با متمرکز ساختن توجه خویش به اندیشه و احساسات عاشقانه، نیروی حیاتی و سرزندگی را در زندگی جاری ساخته، و کمال وجودی خویش را متجلی می‌نماییم.

هنگامی که در زندگی، ناخوشی و بیماری را تجربه می‌کنیم، در واقع به هستی درونی خویش فرصت می‌دهیم که از محدودیت و منفی‌گرایی فاصله بگیرد. فقط صرف تغییر دیدگاه‌های ما است که در چگونگی واکنش منفی یا مثبت جسم و بدنمان تفاوت می‌آفریند. هنگامی که آرامش خویش را حفظ نموده، و توجه خود را معطوف به اندیشه و احساسات مثبت‌تر و عالی‌تری می‌نماییم، توازن فیزیکی و عاطفی و روانی خویش را محفوظ نگه می‌داریم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر تندرستی و سلامتی است. تندرستی حالتی از بودن، و نوعی موجودیت است که از تمرین عشق بی قید و شرط سرچشمه می‌گیرد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

یک پارچگی

یک پارچگی

همگی ما بر روی سیاره‌ی شگفت انگیز زمین زندگی می‌کنیم، و در غم و شادی و امید و رویاهای یکدیگر سهیم هستیم. مهم نیست قد، شکل، رنگ یا اعتقاد ما چیست و چگونه است، در هر صورت بنیاد اساسی ما در پتانسیل انسانی جمعی ما نهفته است تا همه با هم رشد و تعالی یابیم. یک پارچگی مبتنی بر به رسمیت شناخته شدن یگانگی بشریت، و تشخیص موهبت‌هایی است که از طریق عشق می‌توان آن‌ها را خلق کرد.

هنگامی که با داوری در مورد خود و دیگران، خودمان را از هم جدا می‌کنیم، در واقع قدرت درک و زندگی خویش را محدود می‌نماییم. با آگاهی محدود، و نظرات و انتقادات کوتاه‌نگرانه، تا حدودی استعداد و توانایی یکدیگر را انکار می‌نماییم. برعکس آن هم درست است، هنگامی که هویت ما بر بنیان عشق و یکپارچگی‌مان استوار گردد، به خود و به همسفران زندگی خویش، یاری می‌رسانیم که همگی به آن چه که می‌توانیم تبدیل شده، و زندگی و شخصیتی را که بر بنیان استعداد و توانایی‌های ما استوار است، متجلی نماییم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر یک پارچگی است. با عشق‌ورزی بی قید و شرط نسبت به تک تک انسان‌ها، توانایی خویش را برای زندگی در یک پارچگی و صلح در دنیا تضمین می‌نماییم، چه بهتر که انتخاب ما، انجام چنین کاری باشد.

عشق
بی قید و شرط
یعنی
سرزندگی

سرزندگی

هنگامی که سرشار از احساس بوده و حس می‌کنیم در مرکز کاینات هستیم، تشعشعی نورانی از سرزندگی، وجود ما را فرا می‌گیرد. این انرژی زنده، در هستی و زندگی تمامی اطرافیانمان جاری شده و به کرات الهام بخش دیگران در رشد و تعالی آنان خواهد بود. با داشتن زندگی متوازن، و پیگیری استعداد و توانایی عاشقانه‌ی خویش، به سادگی و به طور طبیعی، این ویژگی بی نظیر مبتنی بر عشق را می‌آفرینیم.

با مثبت‌اندیشیِ خویش، به رشد هر فعالیتی که انجام می‌دهیم کمک کرده، و به ارتقای تعاملِ خویش با هر شخصی که برخورد می‌کنیم، یاری می‌رسانیم. با کم‌ترین تلاش جهت حفظ هماهنگی و شادی در تمام اقدامات و احساسات و افکارمان، جهان خود را در توازن و تعادل نگه می‌داریم. و این نشان دهنده‌ی تجارب و تعاملات شادی بخش و مشترک ما و دیگران می‌باشد.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر سرزندگی و نشاط است. هنگامی که عشق وجود ما را در بر می‌گیرد، زندگی ما مملو از سرزندگی می‌گردد، و با برخورداری از چنین انرژی‌ای است که واقعاً معنی زندگی را در می‌یابیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

نیرو

نیرو

نیرو به خودی خود، چیزی بیش از اندکی انرژی آزاد شده نیست. با این حال، هنگامی که با عشق و خرد در می‌آمیزد، موجب فعالیت سه‌گانه‌ی الهی (ثلیث) شده، و هر آن چه را که در بر گیرد، دگرگون می‌سازد. با پذیرش عشق بی قید و شرط، نیروی بی‌نهایت عالی و کاملی را آزاد می‌نماییم، و این راهکاری همیشگی برای حل تمامی ناسازگاری‌ها است.

نیروی خارجی جای خود را به نیروی درونی می‌دهد. ما در حال فراگیری مدیریت و تمرکز بر عشق درونی خویش هستیم، و همین موجب طلوع خودهشیاری نوینی در دنیای ما می‌گردد. همچنان که با نیروی عشق رشد یافته و متحول می‌شویم، استعداد و توانایی‌های بیکران ما هم متجلی می‌گردند.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر نیرو است. عشق، یک انرژی با قویترین نیروی جاذبه‌ی ممکن است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

صفا

صفا

آرامش از درون و عمق وجود ما سرچشمه می‌گیرد، و هنگامی که فعالیت ما در این مسیر قرار می‌گیرد، باعث گسترش حس صفا و آرامش می‌شویم. هنگامی که بر عمق وجود خویش تعمق کنیم، می‌توانیم توجه خویش را معطوف به آرمان‌های عالی‌تری نماییم، و همین خود مهربانی است که مبتنی بر شاخص‌های حقیقی متانت، هماهنگی و شادی درونی می‌باشد و به همین سادگی می‌توانیم زندگی مورد نظر خویش را بیافرینیم. با رهایی از دست ترس و شک و تردیدها، نیروی طبیعی ما جاری می‌شود، حتا در میان هرج و مرج و آشفتگی هم می‌توانیم خون‌سردی خویش را حفظ نموده، و نیرومندی عشق را در وجود خویش درک کنیم. هنگامی که به صورت آگاهانه، پذیرای استعداد و توانایی خویش در حفظ آرامش هستیم، در هر لحظه و به خوبی می‌توانیم از آن بهره‌مند شده و همچون آفتاب دل‌نشین بامدادی، با آرامش و صفا ظاهر شده، و به سراسر هستی و زندگی خویش برکت ببخشیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر صلح و صفا است. کسی که نیرویی را که از قلب عاشقش سرچشمه می‌گیرد می‌شناسد، صلح و صفا در وجودش متجلی می‌شود.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

تواضع

تواضع

دنیای اطراف ما بخشی از آفرینش ما است و ما جزئی جداناپذیر از موجودیت انسان‌های دیگر و کل هستی هستیم. به طور طبیعی، انرژی‌هایی که منتشر می‌کنیم بایستی به همان صورتی که بر ما اثر می‌گذارند بر دیگران هم موثر واقع شوند. با عمل ساده‌ی تواضع، به خود امکان می‌دهیم که عشق، شادی و بخششِ درونیِ خویش را با دیگران تقسیم کرده و نقش خود را در این بازی بزرگ که به هر کسی سود می‌رساند، ایفا نماییم.

مهربانی از قلبی بخشنده، و اعتماد به روح الهی خویش سرچشمه می‌گیرد. هنگامی که از قید و بند خشم، نفرت، یا عیبجویی رها می‌شویم، نوع نگرش خود را تغییر داده، و همچنان که نسبت به همدیگر متواضع‌تر می‌شویم، استعداد و توانایی و رویاهای شخصی خویش را کشف نموده، و سپس این ویژگی را به جوانب دیگر زندگی همدیگر تعمیم می‌دهیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر تواضع است. سیاره‌ی شگفت‌انگیز زمین، تواضع را به ما می‌بخشد تا از موهبتش لذت ببریم، اکنون وقت آن است که ما هم به نوبه‌ی خود، چنین عشقی را با زمین و موجودات موجود در آن تقسیم نماییم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

کامیابی و موفقیت

کامیابی و موفقیت

به راستی هرگز نمی‌توانیم موفقیت را با چیزهایی که به دست می‌آوریم بسنجیم. در عوض، شاخص موفقیت، عشق است که می‌توانیم آن را معیار قرار داده، و اطرافیان خویش را از آن بهره‌مند سازیم. با هر کاری که با عشق بی قید و شرط انجام می‌دهیم، تمایل خویش را برای زیستن و هماهنگی با تمامی جوانب زندگی خود و دیگران، به جهان نشان می‌دهیم. چنین موفقیتی شجاعت و نیرومندی می‌طلبد که تنها از راه عشق به دست می‌آید.

تمامی چیزهای مادی، ناپایدار و فانی هستند. ولی عشقی که با دیگران تقسیم می‌نماییم، توانایی ما را برای ترویج و بهره‌مندی متقابل از انرژی خارق‌العاده‌ی عشق، تثبیت می‌نماید. در هر لحظه، فرصت بیش‌تری برای عشق‌ورزی به خود و دیگران، فراهم می‌شود. با قلبی آکنده از شادی و سرور است که چنین شکوه و موهبت انکارناپذیری در وجود ما متجلی می‌شود.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر کامیابی و موفقیت است. عشق‌ورزی بی قید و شرط، نشان و معیار حقیقیِ تداوم موفقیت است.

عشق

بی قید و شرط

یعنی

پایداری

پایداری

رویاهای ما زمانی به ظهور می‌رسند که بر اهداف خویش پافشاری نماییم. از نخستین اندیشه تا شکل‌گیری و هماهنگی احساساتمان، با هر گامی که به پیش می‌رویم، مسیر سفر ما در نیل به اهدافمان روشن‌تر می‌شود. با به ظهور رسانیدن عشق، مطمئن می‌شویم که آفرینش ما در تمامی جوانب زندگی کامل است، و به معنای واقعی کلمه تخیل خویش را وارد زندگی می‌نماییم.

پایداری و ثابت‌قدمی، تنها راهی است که موجب می‌شود، چیزهای خوبی را به دنیای خویش وارد سازیم. همچنان که از یک فعالیت، به سوی فعالیت دیگری پیش‌روی می‌کنیم، چرخه‌ی طبیعی جهان شکل می‌گیرد. ثابت‌قدم ماندن در مسیر عمیق‌ترین آرزوهای قلبی و درونی خویش، ریشه در نیروی حقیقی و اصیل وجودی ما دارد، و درک و تکامل این رویاها به زندگی ما معنا می‌بخشد.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر پایداری است. پافشاری در عشق‌ورزی به خود و دیگران، زیباترین آرزویی است که همواره می‌توانیم در سر بپرورانیم.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

پیشرفت

پیشرفت

عشق، خود برترین نوع پیشرفت و پیروزی است که همواره می‌توانیم آرزوی تجلی آن را داشته باشیم. می‌توانیم بدون هیچ محدودیت یا شرط و شروط، با گشاده‌دستی، و در هر لحظه، بی قید و شرط عشق بورزیم. با پشت سر گذاشتن این مسیر، سابقه و پیشینه‌ای از ظواهر و تجلیات عاشقانه از ما بر جا می‌ماند، و بر این اساس به طور خودکار، آینده‌ی معینی را در نیل به عشقِ بیش‌تر، می‌آفرینیم. در همین لحظه، باشکوه‌ترین دستاوردی که می‌توانیم داشته باشیم، تجلی عشق است.

امور روزمره‌ی زندگی ما، دربرگیرنده‌ی رویدادهای چشمگیر بسیاری است. در بسیاری از این موفقیت‌ها، نیرومندی، شجاعت و حسی عمیق نسبت به خود را تجربه می‌نماییم. ولی آرامش و فراوانی و وفور نعمت، از درک و شناختی حقیقی منشاء می‌گیرند که سرچشمه‌ی تمامی پیشرفت‌های نهفته‌ی درونی آینده است. هرگز ضرورتی وجود ندارد با انجام اعمالی ظاهری، در پی برانگیختن تحسین دیگران نسبت به خود باشیم، چرا که در جریان زندگی طبیعی خود، خواه ناخواه درک خویش از عشق را هم، به هستی و دیگر موجودات منتقل می‌نماییم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر پیشرفت است. در نیل به ستارگان (کسب موفقیت‌های بزرگ)، حقیقی‌ترین نور در مسیر پیشرفت، از عشق بی قید و شرط سرچشمه می‌گیرد.

عشق

بی قید و شرط

یعنی

فروتنی

فروتنی

کمال و اعتماد به نفس، برآمده از خودشناسی و فروتنی فطری است. هنگامی که در مسیر زندگی، دیگران را هم درک می‌کنیم، در هر یک از آن‌ها، پتانسیل بی‌کرانِ یک‌سانی، برای خلق و آفرینش می‌یابیم که به فروتنی و ادراکی منجر می‌شود که زندگی فرصتی برای حضور و بودن است، نه برعکس.

هر نوع قضاوت، موقعیت و شرایط و هر نوع درک، یا هرگونه کوتاه‌نظری و محدودیت ذهنی و احساسی که ما را از هم جدا می‌کند، یگانگی زندگی را دربرنمی‌گیرد، و مبتنی بر توهم متفاوت و برتربودن می‌باشد. قبل از این که نیروی فراگیر جهانی، این فرایند را متعادل سازد، نیازی نیست مدت زمان زیادی را برای کشف آن و مشاهده‌ی حقیقتِ یگانگیِ خویش که همواره وجود دارد، صرف نماییم؛ همگی حق بهره‌مندی یک‌سانی از موهبت‌های زندگی را داریم. با بخشندگی در هر لحظه از زندگی، موفقیت و پیش‌روی ما در رشد و تحولِ سفرِ زندگی تضمین می‌گردد.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر فروتنی است. نیروی عشق گلبگ‌های گُلِ رَزِّ زندگی را با فروتنی مشابهی همانند با رشد و نمو وجود انسان آشکار می‌سازد.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

انزری

انرژی

در جهان آفرینش، هرگز انرژی بی‌نظیرتر و حیاتی‌تری از عشق بی‌قید و شرط وجود نداشته است. هر چیزی در ژرفای وجودش با فرکانسی از انرژی مرتعش می‌شود که عشق بالاتر از تمامی ارتعاشات موجود است. این انرژی عشق، به همه‌ی سطوح و ابعاد واقعیت هستی و وجود ما نفوذ کرده، و به حفظ اشکال و ظواهر متفاوت زندگی یاری می‌رساند. انرژی عشق اوج گرفته، ارتقا یافته و هر چیزی را به شکلی پویا و مثبت با هم پیوند می‌دهد.

پس از آن که به طور طبیعی متوجه حضور عشق در همه چیز می‌شویم، تنها بایستی عشقی را که آرزو می‌نماییم و می‌طلبیم، در خودمان جستجو نموده و بیابیم. همچنان که عشق را در وجود خودمان متجلی می‌نماییم، به طور خودکار، آن را بیش‌تر به جهان پیرامون خویش می‌تابانیم. با تغییر نگرش و چشم‌انداز زندگی خویش، و رهاسازی شک و تردید و ترس نسبت به عشق، نخستین گام را در درک این نیروی انرژی بخش بی‌کران برمی‌داریم.

عشق بی‌قید و شرط مبتنی بر انرژی است. تمامی انرژی مورد نیاز ما در زندگی، همواره در عشقی که در قلب خود داریم موجود است.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

توانایی

توانایی

در زندگی، هیچ چیز همچون عشق پشتیبان ما نیست. برای شناخت نیروی عشق، بایستی قدرت و توانایی خویش را درک کنیم تا تمام چیزهایی را که آرزو می‌کنیم، بیافرینیم. در پی توجه به این نیروی هدایت‌کننده‌ی شگفت‌انگیز، خود را در سفری خارق‌العاده می‌یابیم. هنگامی که به دنبال بزرگ‌ترین آرزوهای خود رفته، و استعداد و توانایی‌های خویش را شکوفا می‌نماییم، با حقیقت زندگی هم‌نوا می‌شویم و هر لحظه، مملو از لذتی برای سرزندگی خواهد شد.

ما قدرت و توانایی بسیار زیادی داریم، ولی با این حال، همگی ما با اندیشه‌های انتقادی و منفی، این نیروی عظیم را انکار می‌کنیم. هرگاه فکر و احساسی منفی داشته باشیم، خود را از این انرژی بی‌بهره می‌نماییم، و این اندیشه و احساس منفی، ما را از مسیر استعداد و توانایی‌هایمان منحرف نموده و گرفتار محدودیت‌ها می‌سازد. تنها با نیروی عشق می‌توانیم ذهن و احساس خود را معطوف به اهداف و آرزوهای خویش نموده، و در پی سرنوشت خویش رهسپار گردیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر قدرت و توانایی است. عشق بدون محدودیت، قوی‌ترین و نیرومندترین انرژی موجود است که همواره می‌توانیم آن را مورد توجه قرار دهیم.

عشق

بی قید و شرط

یعنی

احترام

احترام

درک احترام، گام مهمی در مسیر عشق‌ورزی بی قید و شرط است. هر یک از ما آزادانه می‌توانیم زندگی را همان گونه که می‌خواهیم، برای خود بیافرینیم. اگر می‌خواهیم به طور طبیعی، آزادانه زندگی کنیم، نخست بایستی آزادی را هدیه کنیم، به این معنی که این حق را برای خود قایل شویم که آزادانه به دنبال تحقق آرزوها و رویاهای شخصی خویش رهسپار گردیم. تنها شرطی که زندگی می‌طلبد، تحمیل نکردن خواسته‌های خود بر دیگران، و احترام به حق انتخاب آزادانه‌ی آن‌ها است.

احترام، روش ساده‌ی پذیرش و محترم شمردن یکدیگر برای ابراز استعداد و توانایی بیکران و تفاوت‌های فردیمان است. هنگامی که وجود ما بر مبنای درک و احساسات قلبی استوار گردد، همه چیز به توازن و تعادل طبیعی خود درمی‌آید. در عین حال اگر با دیدی کوتاه‌نگرانه و غیر واقعی بنگریم، چنین تصور می‌کنیم که دیگران به موقعیت و جایگاه ما تجاوز می‌نمایند و تنها با عشق می‌توانیم این کج‌اندیشی خویش را درمان کنیم.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر بردباری و شکیبایی است. احترام یعنی عشق‌ورزی به همدیگر، بدون هیچ شرط و شروط و محدودیتی.



عشق

بی قید و شرط

یعنی

استعداد

استعداد

توانایی عشق‌ورزیِ همیشگی و بی قید و شرط، بزرگ‌ترین استعداد و قابلیت درونی ما است. این انرژی‌های بی حد و حصر، حد و مرزی نشناخته، و زندگی ما را از تخیلات نامحدود در مسیر آفرینش دوباره، سرشار می‌سازند. با پذیرفتن و به‌کارگیری آن در زندگی، این انرژی در هر فعالیتی به طور خودکار وجود ما را فرا گرفته و مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. در زندگی چیزی نیرومندتر از فطرتِ عاشقانه وجود ندارد.

با شناخت نیروی درونِ قلبمان است که می‌توانیم بفهمیم دیگران نیز همچون ما استعداد و قابلیت مشابهی دارند. هنگامی که این انرژی باشکوه را در زندگی خویش به کار می‌گیریم، به فانوسی دریایی تبدیل می‌شویم که نورش را به هر کسی که شاهد آن است، می‌تاباند. این نور، باشکوه‌ترین موهبتی است که می‌توانیم به دیگران اهدا نماییم، و بدین گونه است که در واقع، هر چیزی با عشق امکان‌پذیر است.

عشق بی قید و شرط مبتنی بر استعداد و قابلیت است. با نیروی عشق بی قید و شرط، وجود خویش را به استعداد و قابلیت بی‌نظیرتان زینده نمایید.

در مورد نویسنده

هارولد دبلیو پِکر، زندگی‌اش را وقف درک، زنده کردن و تقسیم عشقِ بی قید و شرط با دیگران نموده است.

وی در سال ۱۹۹۰ میلادی، شرکت مشورتی خود، یعنی بصیرتِ درونی را راه‌اندازی، و در سال ۲۰۰۰ سازمان غیر انتفاعی "بنیادِ عشق" را با ماموریت "الهام‌بخشی مردم در راستای عشق‌ورزیِ بی قید و شرط" تاسیس نمود.

همچنین هارولد در آرزوی به ظهور رساندن الهام‌بخشیِ عظیمِ عشقِ بی قید و شرط در گستره‌ی دنیا است، از این رو به فکر روزِ جهانیِ عشق افتاد، که جشن بین‌المللی بشریت است و هر ساله در اول ماه مه برگزار می‌شود.

وی نویسنده‌ی چندین کتاب، از جمله **نیروی درونی**، "هفت روشِ کشفِ درون"، **عشق بی قید و شرط**، "شیوه‌ی نامحدودِ بودن" و **عشق بی قید و شرط یعنی...** می‌باشد و نیز نویسنده و تهیه‌کننده‌ی ویژه‌برنامه‌ی خود در PBS، تحت عنوان **عشقِ بی قید و شرط راه رسیدن به آزادی درونی** بوده که به صورت DVD موجود است.

^۱ PBS: سیستم پخش برنامه‌ی عمومی / یکی از شبکه‌های مهم تلویزیونی در ایالات متحده‌ی آمریکا که برنامه‌ی تلویزیونی هارولد را در سال ۱۹۹۷ تولید و پخش می‌نمود.

هارولد مدرک مدیریت اجرایی تجاری (MBA) داشته و مایل است تمامی جوانب زندگی، از جمله فعالیت‌های تجاری، نویسندگی، سخنرانی، سمینار و مشاوره را، با دیدگاه‌انگیزی و الهام بخش خود درآمیزد. وی با تلفیق بینش و بصیرتی باورنکردنی، همراه با شوخ طبعی و مهربانی، مردم را تشویق به عشق‌ورزی بی قید و شرط می‌کند. از طریق وب سایت‌های زیر می‌توانید با هارولد در تماس باشید:

www.internalinsights.com
www.thelovefoundation.com
www.globalloveday.com
www.whitefirepublishing.com

ضمن تعمق بر این ۶۳ ویژگی جهانی عشق، که در نهاد همه‌ی ما است، آسوده خاطر باشید و آرام‌گیرید و اجازه دهید این مطالب در ژرفای روح شما جای گیرند.

عشق بی قید و شرط یعنی... مغتنم شمردن لحظه لحظه‌ی زندگی، مجموعه بیانات الهامبخش و ساده‌ای است که هر یک جنبه‌ای ویژه از زندگی و هستی ما و دیگران را مورد توجه قرار می‌دهند. نویسنده، هارولد دبلیو بکر، این اندیشه‌های الهامبخش را در کتاب دیگرش به نام "عشق بی قید و شرط - شیوه‌ی نامحدود بودن"، به نگارش درآورده است.

بنگرید که به طور مثال، آرامش، هماهنگی، مهربانی، خلاقیت و فراوانی، که همگی از ویژگی‌هایی هستند که از اعماق وجود شما سرچشمه می‌گیرند، چگونه قلبتان را مملو از عشق بی قید و شرط می‌گردانند. هنگامی که به خصوصیات نیرومندی همچون شجاعت، حق انتخاب، قدردانی و استعداد و قابلیت پی می‌برید، درک شخصی خویش را به هشیاری عظیمی مبدل می‌سازید.

این کتاب بر بسیاری از نمادهای زندگی، با بیان چگونگی شکل‌گیری ویژگی‌های نیرومند زندگی از تاروپود وجود شما متمرکز است.



Harold W. Becker

www.thelovefoundation.com

هارولد دبلیو بکر نویسنده، سخنران و اندیشمند نام‌آشنای بین‌المللی، با موهبتی منحصر به فرد است، که به او امکان می‌دهد به شکلی ساده و عملی، از حقیقتی بی‌کران سخن گوید. وی بنیانگذار سازمان غیر انتفاعی "بنیاد عشق" است.

ISBN 978-0-979046-02-5

White Fire Publishing